

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به [GOOGLE PLAY](#) و [APP STORE](#) نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز صفحه ۲

هلیکوپتر پاکستانی

به روسیه پرواز می کرد یا از پاکستان؟

با گذشت سه روز از فرود اضطراری یک هلیکوپتر پاکستانی در ولسوالی ازرو ولایت لوگر، این مساله پیچیده تر شده و ابعاد بیشتری پیدا کرده است. معلوماتی را که مقامات دو کشور تا اکنون در خصوص آن ارائه کرده اند نه تنها باعث شفافیت در مساله نشده بلکه تردیدهای جدیدی را خلق کرده است. ارگ ریاست جمهوری با برگزاری یک نشست امنیتی در این زمینه، هیاتی را به کار گماشته و نیز گفته است: «پاکستان تقاضانامه‌یی مبنی بر ضرورت عبور یک فروند هلیکوپتر (نوع MI-17) آن کشور را از فضای جمهوری اسلامی افغانستان به مقصد جمهوری ازبکستان جهت ترمیم...



رییس جمهور غنی برنامه‌ی «مدیریت مالی عامه» را افتتاح کرد

صفحه ۲



آهنگ تماس من

یک آهنگ را طبق ذوق تان بحیث آهنگ تماس انتخاب نمائید

برای ثبت نمودن:

۸۲۸۲ را دایل کنید و یا "REG" را از طریق پیام کتبی به ۸۲۸۲ ارسال کنید.

هزینه ها:

بسته ماهوار ۲۰ افغانی و بسته روزانه ۱ افغانی. از داوولود محتویات هزینه اضافی اخذ می گردند





یک‌شنبه

۱۷ اسد

۱۳۹۵

سال پنجم

شماره ۱۱۲۱



یادداشت روز

هلیکوپتر پاکستانی به روسیه پرواز می‌کرد یا ازبکستان؟

با گذشت سه روز از فرود اضطراری یک هلیکوپتر پاکستانی در ولسوالی ازر ولایت لوگر، این مساله پیچیده‌تر شده و ابعاد بیشتری پیدا کرده است.
معلوماتی را که مقامات دو کشور تا اکنون در خصوص آن ارائه کرده‌اند نه‌تنها باعث شفافیت در مسأله نشده بلکه تردیدهای جدیدی را خلق کرده است. ارگ ریاست‌جمهوری با برگزاری یک نشست امنیتی در این زمینه، هیأتی را به کار گماشته و نیز گفته است: «پاکستان تقاضانامه‌یی مبنی بر ضرورت عبور یک فروند هلیکوپتر (نوع MI-۱۷) آن کشور را از فضای جمهوری اسلامی افغانستان به مقصد جمهوری ازبکستان جهت ترمیم در فابریکه‌یی متعلق به روسیه [اخذ کرده] بود.»

یک روز قبل از اعلامیه‌ی ارگ (۱۵ اسد) وزارت دفاع گفته بود: «دولت پاکستان اجازه‌ی عبور یک باب هلیکوپتر را از فضای افغانستان به‌سوی کشور روسیه جهت ترمیم از وزارت خارجه و وزارت هوانوردی گرفته بود.»

گفته می‌شود این هلیکوپتر شش سرنشین داشته و به گزارش برخی رسانه‌ها یکی از سرنشینان آن داماد راحیل شریف بوده است. گروه طالبان سرنشینان آن را با خود برده و هلیکوپتر را آتش زده است. در پی سقوط این هلیکوپتر، راحیل شریف، رییس ستاد ارتش پاکستان با اشرف غنی و نیکلسون؛ فرمانده ناتو در افغانستان تماس گرفته و خواستار کمک برای نجات سرنشینان هلیکوپتر شده است. این هلیکوپتر عصر روز جمعه از لوگر به کابل منتقل شد و در سطح شهر به نمایش گذاشته شد.

به‌رغم توضیحاتی که مقامات دو کشور در مورد پرواز این هلیکوپتر در فضای افغانستان ارائه کرده‌اند، پرسش‌های جدی هنوز سرچایش باقی است. اولین پرسش در مورد مبدا و مقصد پرواز هلیکوپتر مطرح است. زیرا هلیکوپتر به‌دلیل ظرفیت پائین قادر به پرواز از پاکستان به روسیه نمی‌باشد. دوم، گفته‌اند این هلیکوپتر جهت ترمیم به روسیه پرواز می‌کرد. چگونه هلیکوپتری که عوارض هم دارد می‌تواند این مسافت طولانی را طی کند؟ معمولاً از این نوع هلیکوپترها برای پرواز داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد چون توانایی پیمودن فضای چند کشور را ندارند. صرف‌نظر از پرسش‌های فنی و تخنیکی که در این زمینه وجود دارد، توضیحات وزارت دفاع مبنی بر این‌که این حکومت افغانستان نمی‌داند که آیا این هلیکوپتر همان بالگردی است که مجوز دریافت کرده بود یا نه، پرسش برانگیز است. در صورتی که برای این هلیکوپتر مجوز پرواز از فضای افغانستان صادر شده باشد، مشخصات بالگرد در اختیار مسئولین مربوطه قرار می‌گیرد و ثبت می‌شود. و بالگرد به‌محض ورود به خاک افغانستان شناسایی می‌شود. تا زمانی که خبر فرود اضطراری هلیکوپتر رسانه‌یی نشده بود، وزارت دفاع نمی‌دانست هلیکوپتر پاکستانی وارد خاک افغانستان شده است یا نه. این حادثه در آخر هفته‌ی گذشته (پنج‌شنبه) اتفاق افتاد و دولت افغانستان حتا آن را به کابل منتقل کرد؛ طی این مدت آیا حکومت نمی‌داند این همان هلیکوپتری است که مجوز از دولت افغانستان دریافت کرده بود؟

آن‌چه بیش از همه سبب شده است افکار عمومی در این خصوص حساسیت نشان دهد، توضیحات متناقض دولت افغانستان است. وزارت دفاع مقصد این بالگرد را روسیه عنوان کرده بود اما ارگ می‌گوید کشور ازبکستان مقصد نهایی این هلیکوپتر بود. چه کسی راست می‌گوید؟

برخی از خبرگزاری‌ها به نقل از سلیم صالح؛ سخن‌گوی والی لوگر گزارش داده‌اند که روز پنج‌شنبه دو هلیکوپتر پاکستانی در آسمان ولسوالی ازر لوگر در حال پرواز بود که یکی از آن دو نسبت مشکل تخنیکی نشست اضطراری کرد و هلیکوپتر دومی به پاکستان برگشته است.

انتظار می‌رود حکومت وحدت ملی به‌جای ارائه‌ی اطلاعات متناقض، مردم را در جریان اصل ماجرا قرار دهد. آشفته‌گی حکومت اِهام را بیشتر می‌کند.

رییس‌جمهور غنی برنامه‌ی «مدیریت مالی عامه» را افتتاح کرد

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی برنامه‌ی «مدیریت مالی عامه» را که برای پنج سال ساخته شده است، دیروز در ارگ ریاست‌جمهوری افتتاح نموده و گفت حکومت از زمان آغاز کارش، تلاش ورزیده تا اصلاحات لازم را در ادارات به‌وجود بیاورد.

برنامه‌ی مدیریت مالی عامه که از سوی وزارت مالیه تهیه شده است، از سوی اکلیل حکیمی، وزیر مالیه، به اشتراک‌کنندگان معرفی شد. براساس وعده‌ی حکومت در کنفرانس لندن، این پلان ترتیب‌گردیده تا مردم اطمینان پیدا کنند که پول بیت‌المال نزد حکومت مصون می‌ماند.

آقای حکیمی در این مورد گفت، براساس این برنامه حکومت اصلاحات را از وزارت مالیه آغاز و به تمام وزارت‌خانه‌ها گسترش می‌دهد. او افزود: «پلان مذکور مشخص می‌سازد که چگونه سیستم مالی تنظیم‌گردیده و از منابع و امکانات به‌گونه‌ی مؤثر و مفید آن استفاده شود.»

در همین حال رییس‌جمهور غنی می‌گوید که در شرایط بسیار دشوار ۲۲ فیصد عواید حکومت افزایش یافت و این عواید می‌تواند دو برابر گردد. او گفت: «مردم خواهان افزایش شفافیت و حسابدهی می‌باشند و باید همه همگام برای ایجاد یک نظام پاسخ‌گو قدم برداریم.» آقای غنی افزود که بدون داشتن عواید پایدار نمی‌توانیم به هدف نهایی ما که خودکفایی افغانستان است، دست باییم.

«اصلاحات ضروری در ادارات دولتی»

رییس‌جمهور همچنان اضافه کرد که اصلاحات در تمام ادارات دولتی ضروری است و منحصر به یک اداره نمی‌باشد. او گفت: «این برنامه ضرورت به سرمایه‌گذاری دارد که تا ۵ سال آینده ۲۰ میلیون دالر روی ظرفیت وزارت مالیه سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.»

غنی: حکومت برای تطبیق و رعایت معیارهای اصلاحات و شفافیت تلاش می‌کند

آقای غنی در بخشی از سخنانش در نشست دیروز گفت که گام نخست آوردن اصلاحات در حکومت انجام شده و ضرورت به اصلاحات دوامدار می‌باشد. او گفت ما به مردم افغانستان و جامعه‌ی بین‌المللی اطمینان می‌دهیم که حکومت افغانستان به‌خاطر تطبیق و رعایت معیارهای اصلاحات، شفافیت و حسابدهی به تلاش‌های همه‌جانبه ادامه می‌دهد.

رییس‌جمهور همچنان گفت که پروژه‌ها باید در چارچوب پلان‌های منظم تطبیقی درآیند و باید از پروژه‌های کوچک آغاز کنیم. آقای غنی گفت که مردم از پروژه‌های بزرگ اقتصادی حمایت می‌کنند زیرا می‌دانند که افغانستان به موقعیت سرمایه‌گذاری در منطقه مبدل می‌شود و کمک‌های بین‌المللی و سیله‌ی تحرک اقتصاد پایدار داخلی خواهد شد.

تفویض م‌دال عالی دولتی «وزیر محمد اکبرخان» به وزیر مالیه

در برنامه‌ی روز گذشته رییس‌جمهور غنی به پاس تلاش‌های اکلیل حکیمی وزیر مالیه به‌ویژه در راستای افزایش عواید ملی، م‌دال عالی دولتی‌غازی وزیر محمد اکبرخان را به وی تفویض کرد. آقای غنی گفت ضرور است که فرهنگ تقدیر به‌میان آمده و فرهنگ توبیخ از بین برود.

برنامه‌ی مدیریت مالی عامه جزء پلان بزرگ چارچوب انکشاف ملی حکومت است که با سکتور خصوصی، جامعه‌ی مدنی و شرکای بین‌المللی افغانستان شریک شده و پس از آن در نشست بروکسل ارایه خواهد شد.

برنامه‌ی مدیریت مالی عامه درحالی تهیه و معرفی می‌شود که قرار است نشست بروکسل در مورد افغانستان در اواخر سال ۲۰۱۶ برگزار شود.

عملیات قهر سیلاب در اچین؛ ۲۱ داعشی کشته و ۱۳ تن زخمی شدند

نتیجه‌ی این تصفیه و تلاشی ۲ فرد مشکوک بازداشت، ۲ میل پنج‌تیره، ۷ صوب زره، ۱۷ عدد سنگ زره، ۲ طاق کلاه آهنی، ۲ صوب پرتله، ۵ عدد حق سوق راکت، یک عدد مایک و ۵ حلقه ماین مختلف‌النوع به‌دست نیروهای شامل عملیات افتاده است.

وزارت دفاع گفته است که این عملیات براساس هدایت رییس‌جمهور غنی آغاز شده و تا نابودی کامل لانه‌های گروه تروریستی داعش و سایر نیروهای مسلح مخالف دولت ادامه خواهد داشت.

گروه داعش بیشتر در حوزه‌ی شرق کشور، ولایت ننگرهار، فعالیت داشته و پیش از این نیز چندین عملیات نظامی بر مواضع این گروه انجام شده است. اخیراً رییس‌جمهور غنی در سفری که قول اردوی ۲۰۱ سیلاب داشت دستور داد تا گروه داعش به‌صورت کامل نابود شود.

نمایندگان هلمند در شورای ملی:

جنگ از ولسوالی‌ها به سمت مرکز شهر به پیش می‌رود

عبدالله بارکزی، عضو مجلس نمایندگان نیز می‌گوید در چند ولسوالی هلمند تنها ساختمان‌های ولسوالی در دست حکومت است و دشمن در سه کیلومتری ولایت قرار دارد. او می‌گوید: «بیشترین بخش‌های هلمند به‌دست دشمن است، پس سقوط چه را می‌گویند؟»

والی هلمند اما در کنفرانس خبری‌اش اطمینان داده گفت نیروهای امنیتی آن حملات دشمن را ناکام کرده است که به دستور بادران و رهبران خارجی پاکستانی‌شان در ولسوالی‌های خانشین، نادعلی، مارجه، ناوه و گرمسیر انجام دادند.

عملیات‌های زمینی و هوایی در ولایت هلمند پس از آن شدت گرفته است که طالبان بخش‌های زیادی از ولسوالی نادعلی را در کنترل خود درآورده و خود را در منطقه‌ی چاه انجیر، در نزدیکی شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، رساندند.

در همین حال یک هیأت از طرف وزارت‌های دفاع و داخله برای بررسی وضعیت امنیتی هلمند به شهر لشکرگاه رفته است. جنرال مراد علی مراد معاون لوی درستیز و پاسوال عبدالرحمن رحمن معین ارشد وزارت داخله رهبری این هیأت را به عهده دارند.

ارگ: هیأتی ابعاد مختلف نشست

اضطراری هلیکوپتر پاکستانی را

بررسی می‌کند

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری می‌گوید یک هیأت به‌خاطر بررسی ابعاد مختلف قضیه‌ی نشست اضطراری یک بال هلیکوپتر پاکستانی در ولایت لوگر تشکیل شده و تحقیق می‌کند که آیا مشخصات هلیکوپتر نوع «MI-۱۷» آن‌چه که در تقاضانامه و اجازه‌نامه درج شده است، با خود هلیکوپتر مطابقت دارد یا خیر.

ارگ ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌یی به روز شنبه گفته است که در جلسه‌ی امنیتی که به ریاست رییس‌جمهور برگزار شده بود، آخرین معلومات در خصوص نشست اضطراری این هلیکوپتر مورد بحث قرار گرفته است.

همچنان در این جلسه یک کمیته مؤظف شده است تا قوانین، مقررات و طرز‌العمل‌های موجود در این زمینه را به‌منظور رفع فوری خلاهای احتمالی مورد بررسی قرار داده و طرح جامعی را که بتواند از تکرار چنین حوادثی به‌طور کامل جلوگیری نمایند، به کمیته‌ی تقنین کابینه ارایه کند.

پیش از جاشت روز پنج‌شنبه یک هلیکوپتر «ام‌آی ۱۷» به رنگ سفید در منطقه‌ی لکی ولسوالی ارزه‌ی ولایت لوگر سقوط کرد. در پیوند به آن، سفارت پاکستان در کابل اعلام کرد که یک هلیکوپتر دولت محلی پنجاب که برای عملیات نگهداری و بازرینی به روسیه پرواز کرده بود، در لوگر سقوط کرده است.

این رویدادها پرسش‌های زیادی را با خود به‌همرا داشت اما یک روز پس از آن، روز جمعه، دولت وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع تایید کرد که دولت افغانستان برای عبور این هلیکوپتر از فضای افغانستان جواز صادر کرده بود اما هنوز معلوم نیست که آیا این همان هلیکوپتری است که قرار بود برای ترمیم به یکی از کشورهای آسیای میانه برود یا نه.

در همین حال جنرال راحیل شریف، رییس ستاد ارتش پاکستان برای رهایی سرنشینان این هلیکوپتر از افغانستان و امریکا خواستار کمک شده است.

در اعلامیه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری همچنان آمده است که دولت افغانستان حق خود را برای اتخاذ اقدامات دیپلوماتیک به نتایج تحقیقات جاری در این خصوص، محفوظ نگه می‌دارد.

والی بدخشان:

یک واحد ویژه‌ی امنیتی برای

جلوگیری از استخراج غیرقانونی

معادن ایجاد می‌شود

اطلاعات روز: فیصل بیگزاد، والی ولایت بدخشان می‌گوید قرار است به‌زودی یک واحد ویژه‌ی نیروهای امنیتی برای جلوگیری از استخراج غیرقانونی معادن به کار آغاز کند.

وی از قانون‌مند شدن استخراج معادن بدخشان، به‌ویژه معدن لاجورد، خبر داده می‌گوید که در سفری که به کابل داشته است، با رییس‌جمهور در مورد افزایش ناامنی و استخراج غیرقانونی معدن لاجورد از سوی زورمندان صحبت کرده است.

آقای بیگزاد به رسانه‌ها گفته است که رییس‌جمهور تصمیم گرفته است تا معدن لاجورد را قانونی بسازد.

اخیراً یک نهاد بین‌المللی تحقیقی را منتشر کرد که نشان می‌داد درآمد گروه‌های مسلح از جمله طالبان از معدن کوچکی در ولایت بدخشان، برابر با کل عواید افغانستان از بخش معدن است.

گلوبل ویتنس همچنان گفته بود که استخراج غیرقانونی معادن در افغانستان پس از مواد مخدر، به دومین منبع عایداتی برای شورشیان و گروه طالبان تبدیل شده است. همچنان این گزارش نشان می‌داد که شماری از مقام‌های بلندپایه‌ی حکومت، شماری از اعضای مجلس نمایندگان، فرماندهان نظامی و زورمندان محلی در استخراج غیرقانونی معادن به‌ویژه معدن لاجورد در بدخشان دست دارند و شماری از آن‌ها برای تأمین امنیت استخراج معادن به طالبان باج می‌دهند.

در همین حال یک عضو شورای ولایتی بدخشان، طلعت، می‌گوید این تصمیم رییس‌جمهور ستودنی است زیرا با قانون‌مندن شدن معدن لاجورد هم درآمد دولت بیشتر می‌شود و هم مرکز تمویل هراس‌افگنان در بدخشان ضعیف خواهد شد.



افغانستان سرانجام با پاکستان روبه‌رو می‌شود

نشئل انترست/آدام گالاگر

ترجمه: حمید مهدوی



خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

بدترین متشکر دنیا

سازمان ثبت بهترین‌ها و بدترین‌های دنیا، به‌تازگی فهرستی را منتشر کرده که در آن شماری از بهترین‌ها و بدترین‌های جهان معرفی شده و دلایل بهترین بودن یا بدترین بودن‌شان هم ذکر شده. این لیست بسیار طولانی است، همه‌اش این‌جا جا نمی‌شود. فقط دو مورد که به کشور عزیز ما تعلق گرفته را خدمت شما عزیزان می‌بدرانیم، امید که شما بهترانید.

بهترین متحجر دنیا: بهترین متحجر دنیا، عنوانی است که همه ساله به کسی تعلق می‌گیرد که دلیل معقولی برای بازگشت به گذشته داشته باشد. این عنوان امسال به افغانستان تعلق گرفت. یکی از بانوان سرزمین که خوب نیست این‌جا نامش را بگیرم (چون می‌ترسم او را ظرف یک هفته به قتل برساند)، از خدا خواسته که کشورش به گذشته برگردد. او برای برگشت دو تا عکس را کنار هم گذاشته که یکی آن مال چندین دهه قبل و دیگری متعلق به عصر حاضر است. عکس گذشته نشان می‌دهد که در گذشته، خانم‌ها محرک جنون مردان نبوده، خیلی راحت به تحصیل و کار می‌پرداخته. مردان هم زنان را به عنوان انسان قبول داشته و احترام می‌گذاشته. عکسی که متعلق به عصر حاضر است، نشان می‌دهد که یک زن چادری‌پوش، ۳۷ مرد آتش‌خوی خرس‌اندام را تحریک کرده و این مردان از آن به‌بعد تابه‌حال، بر ۶۷ زن و دختر تجاوز کرده. برای همین این بانو آرزو دارد به گذشته برگردیم که در آن هیچ زنی، صرفاً به‌دلیل زن بودن از سوی مردان مومن اذیت نشوند، مورد تجاوز قرار نگیرند و به قتل نرسند. او مدعی است که افراطیت روز به روز بیشتر می‌شود و آمیدی هم برای فردای بهتر باقی نمی‌گذارد.

بدترین متشکر دنیا: متشکر دنیا عنوانی است که همه ساله به مقامات رسمی کشورها تعلق می‌گیرد، مخصوصاً به رئیس‌جمهورها. این عنوان هم امسال به افغانستان رسیده. موسسه‌یی که این عنوان را برای ما داده، استدلال کرده که رئیس‌جمهورتان سرقوماندان اعلاای قوای مسلح افغانستان است. نیروهای امنیتی شجاع دارد، تجهیزات دارد، اما بازهم هلمند و قندوز روزگار خوش ندارد. تنها هلمند و قندوز نیست، غزنی و زابل و ننگرهار و بغلان و جوزجان هم تعریفی ندارد. تازه ما بدخشان و ارزگان و هرات را هیچ حساب نکردیم. صدها پولیس‌تان محاصره می‌شوند، از اشرف غنی کمک می‌خواهند، اما کمک نمی‌رسد. چرا؟ در هلمند تا که درصدی سقوط ولایت به ۹۰ نرسیده، به نیروهای امنیتی اجازه‌ی حمله بر طالبان داده نمی‌شود. چرا؟ از داستان قندوز شما بهتر خبر دارید، حکومت آن‌ها را فقط بیرون راند و نابود نکرد. چرا؟ اگر طالبان دشمن حکومت وحدت ملی‌اند، چرا همیشه باید آن‌ها حمله کنند و حکومت فقط حمله را دفع کند. هیچ‌وقت شاهد نبوده‌ایم که حکومت بر طالبان حمله کرده و نابوده کرده باشد. چرا؟

رئیس‌جمهور شما اجازه‌ی حمله به طالبان را نمی‌دهد. همیشه دستور صادر می‌کند که صبر کنید اول طالبان حمله کنند، ۱۰-۲۰ نفرتان را که کشتند، بعداً شما حمله کنید و حمله‌ی آن‌ها را دفع کنید. این گونه آمار تلفات نیروهای امنیتی‌تان بالا می‌رود. در همین حال، رئیس‌جمهورتان همیشه از نیروهای امنیتی متشکر است که از امر و نهی‌های او سرپیچی نمی‌کنند. رئیس‌جمهورتان بدترین متشکر دنیاست، چون هم از نیروهای امنیتی خویش متشکر است، هم به نحوی هیچ اهمیتی به آن‌ها نمی‌دهد. اگر ما دروغ می‌گوییم به هلمند زنگ بزنید، پرسان کنید.

به‌هر صورت، من شخصاً نمی‌دانم در هلمند چه اتفاق افتاده. حتا نمی‌دانم چند درصد این ولایت به دست طالبان است. حکومت می‌گوید ۶۵ درصد، اما شاهدان می‌گویند که ۹۵ درصد. فقط همین قدر خبر دارم که وضع هلمند خوب نیست و وطن‌داران هلمندی ما نزدیک است در آتش بازی‌های سیاسی-مافیایی، به صورت ۱۹۵ درصدی بسوزند. امیدوارم چنین نشود. خدایا هلمند را اول از شر تروریستان نجات بده، بعداً از شر بدترین متشکرهای دنیا. فقط نمی‌دانم چرا بزرگان ما کمر را برای مُرداری ملی بسته‌اند؟

به تروریسم وزارت خارجه‌ی امریکا شامل سازد». در حالی که طالبان در حالت تهاجمی قرار دارند، خلیل‌زاد استدلال کرد که «انعطاف‌پذیری طالبان را می‌توان بیش از هر چیز دیگری به تصمیم استراتژیک ارتش و استخبارات پاکستان مبنی بر فراهم کردن پناهگاه‌ها و حمایت از این گروه‌ها نسبت داد».

در حالی که بسیاری‌ها در کانگرس طرفدار توقف کمک‌های امریکا به پاکستان هستند، خلیل‌زاد نیز به قانون‌گذاران گفت که حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین علیه منصور «فرصت طلایی‌یی را برای مواجهه با پاکستان» و وادار کردن این کشور به انتخاب بین کمک به طالبان و شبکه‌ی حقانی یا روابط با ایالات متحده و کمک اقتصادی و بین‌المللی همراه آن به اسلام‌آباد ایجاد کرده است.

اعتراف شگفت‌آور عزیز و شرایطی که مرگ منصور را احاطه کرده است - چه رسد به شواهد جرمی زیاد دیگر - بهترین فرصت را برای ایالات متحده فراهم می‌کند تا فشار بر پاکستان را افزایش بدهد، از پنهان‌کاری‌های اسلام‌آباد چشم‌پوشی کند و بر پایان دادن به حمایت از طالبان تاکید کند. پس از همه، همان‌طوری که خلیل‌زاد می‌گوید، «سیاست پاکستانی‌ها علت اصلی درگیری‌های جاری در افغانستان است».

جنگ در افغانستان اکنون طولانی‌ترین [جنگ] امریکا است و در مقایسه با پلان مارشال، این کشور پول بیشتری، با تعدیل تورم، به مصرف رسانده است. رئیس‌جمهور اواما به دنبال تصمیم اخیرش در حالی ریاست‌جمهوری را ترک خواهد کرد که ۸۴۰۰ سرباز امریکایی در این کشور خواهند ماند و «باتون» را به رئیس‌جمهور بعدی خواهد سپرد. در جریان پانزده سال گذشته، تلاش‌های جنگی به‌طور مداوم توسط سیاست‌دوگانه‌ی اسلام‌آباد در قبال افغانستان تضعیف شده است. با در نظر داشت خطرناک بودن فزاینده‌ی شاخه‌ی دولت اسلامی که اخیراً بزرگترین حمله در سال‌های اخیر را در کابل انجام داد، تداوم حضور القاعده و طالبان سرکوب نشده، واشنگتن خود با چشم‌پوشی از حمایت پاکستان از گروه‌های افراطی هیچ لطف و مرحمتی به خرج نمی‌دهد.

مدت‌ها قبل اسلام‌آباد حتا می‌پذیرفت که طالبان افغانستان ساکن پاکستان هستند و کزری به‌طور متقاعدکننده‌ی جنگ افغانستان را تحلیل کرد و دلیل مهمی برای سختی آن آورد، البته بدون تدبیر دیپلماتیک مرسوم. اگر رئیس‌جمهور بعدی امیدوار است که به جنگ در افغانستان پایان بدهد و این کشور را در مسیر پایا و ماندنی‌یی برای شگوفایی و امنیت قرار بدهد، او باید بر پاکستان فشار بیاورد تا روشش را تغییر بدهد. از حامد کزری بپرسد؛ او سال‌هاست که این حرف را می‌زند.

ساخت که ملا عمر، رهبر طالبان، در سال ۲۰۱۳ در شفاخانه‌یی در کراچی پاکستان مرده است. اگر کسی در مورد توانایی و تمایل سازمان استخبارات و ارتش پاکستان در کمک و تحریک بنیادگرایان تردید دارد، فراموش نکند که اسامه بن‌لادن سرانجام در ابوت‌آباد پاکستان، نزدیک به یک اردوگاه ارتش، پیدا شد. در حالی که اسلام‌آباد از دیر زمان بدین‌سو پناه دادن و حمایت از گروه‌های شورشی را رد کرده است، گزارشی از متیو والدمن برای London School of Economics فاش کرد که همکاری بیشتر از همکاری صرف مخفیانه است. والدمن گفت که در واقع، «این همکاری‌ها» از حمایت گهگاهی و محدود بسیار فراتر می‌رود. حمایتی که آی.اس.آی [از طالبان] می‌کند در حدود بسیار قابل توجه است. ما نیز می‌گوییم که این سیاست رسمی این اداره [آی.اس.آی] است و می‌گوییم که این [حمایت] بسیار گسترده است».

اما واقعیت این است که این حمایت یک راز آشکار است. سرتاج عزیز، مشاور سیاست خارجی نخست‌وزیر پاکستان، در جمعی در شورای روابط خارجی در واشنگتن گفت: «ما تا حدودی بر آن‌ها [طالبان افغانستان] نفوذ داریم چون رهبران آن‌ها در پاکستان هستند، به تسهیلات پزشکی دسترسی دارند و خانواده‌های آن‌ها این‌جا هستند».

در عین حال، گروه هماهنگی چهارجانبه (مشکل از پاکستان، ایالات متحده، افغانستان و پاکستان) در سال جاری در جریان چندین دور گفت‌وگوها طالبان را به میز گفت‌وگوها بیاورد. در ۱۲ ماه جولای، هارون چخانسوری، سخن‌گوی رئیس‌جمهور، به اسوشی‌تدپرس گفت که کابل برنامه‌یی برای از سرگیری روند صلح ندارد. به‌طور همزمان، جواد فیصل، سخن‌گوی رئیس‌اجراییه، پاکستان به ناکامی در عمل به وعده‌هایش و متوقف ساختن حمایت از طالبان و آوردن این گروه به میز مذاکره متهم کرد. او گفت پاکستان «هنوز شورشیان را حمایت می‌کند، [برای آن‌ها] تسهیلات پزشکی فراهم می‌کند، آموزش می‌دهد و آن‌ها را تامین مالی می‌کند و این‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها به وعده‌های‌شان مبنی بر وادار کردن طالبان به پیوستن به روند صلح عمل نکرده‌اند».

در ماه‌های اخیر، واشنگتن سیاست ویرانگر پاکستان در قبال افغانستان را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است. زلمی خلیل‌زاد، سفیر پیشین امریکا در افغانستان، به کمیته‌ی امور خارجه‌ی مجلس [امریکا] گواهی داد که بین سیاست اعلان شده و واقعی تمام کشورها خلایق وجود دارد، در مورد پاکستان، این خلا بزرگ است». این فرستاده‌ی پیشین استدلال کرد که در واقع، «سیاست و عمل فعلی پاکستان شایستگی بهتری دارد تا این کشور را در فهرست کشورهای کمک‌کننده

میراث حامد کزری، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور افغانستان پس از سقوط طالبان، آشکارا ناهمساز است. کزری که در چرب‌زبانی مشهور است، سیاست سنتی قبیله‌یی افغانستان را استادانه هدایت کرد، اما احتمالاً اساس بخش بزرگی از فساد و حکومت‌داری ضعیف را گذاشت که امروزه حکومت افغانستان را به ستوه آورده است. کزری، در دوران تصدی‌اش [به‌عنوان رئیس‌جمهور افغانستان]، اغلب با انتقاد پیوسته از پاکستان به‌خاطر پناه دادن به طالبان افغانستان و تلاش در راستای حکومت بر کابل با استفاده از گروه نیابتی [طالبان] به سرخط خبرها تبدیل شد. وقتی اشرف غنی، مقام پیشین بانک جهانی و کارشناس [مسایل] توسعه، در سال ۲۰۱۴ به قدرت رسید، تلاش کرد روابط با اسلام‌آباد را از سر بگیرد - حتا درخواست کمک نظامی از هند، رقیب اصلی پاکستان، را به بعد موکول کرد. زمان زیادی نگذشت تا [این رویکردش] را بازبینی کرد.

کمتر از یک سال از تصدی ریاست‌جمهوری غنی گذشته بود که او راه وارونه را رفت و گفت باور دارد پاکستان در افغانستان «جنگ اعلان نشده» را انجام می‌دهد. به دنبال بمب‌گذاری طالبان در ماه اپریل در کابل که بیش از شصت تن را کشت، غنی پاکستان را به‌خاطر پناه دادن به این گروه به‌شدت نکوهش کرد و به پارلمان افغانستان گفت که اگر اسلام‌آباد اقدامی نکند، به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت خواهد کرد. او گفت: «از پاکستان انتظار نداریم که طالبان را به میز گفت‌وگوها بیاورد، اما از پاکستانی‌ها می‌خواهیم که به قول‌هایی که داده‌اند عمل کنند... و علیه کسانی که در پاکستان پناهگاه دارند، عملیات راه‌اندازی کنند». مسلماً سرخوردگی غنی از اقدام نکردن پاکستان با این حقیقت که از زمان خروج نیروهای امریکایی در پایان سال ۲۰۱۴ طالبان قوی‌تر شده‌اند و اکنون بیش از هر زمانی از تهاجم سال ۲۰۰۱ مناطق بیشتری را در کنترل‌شان دارند و تلفات ملکی همچنان در حال افزایش است و به میزان هشداردهنده‌یی رسیده است، بیشتر شده است.

در ماه جون، وقتی ملا منصور، رهبر اخیر طالبان در نتیجه‌ی حمله‌ی یک هواپیمای بدون سرنشین امریکایی کشته شد، او داشت از طریق بلوچستان، ایالت غربی بلوچستان و هم مرز با ایران، با یک پاسپورت پاکستانی سفر می‌کرد. بسیار واضح است که کوئته، مرکز ایالت بلوچستان، خانه‌ی شورای کوئته، رهبری طالبان افغانستان، است. مثال‌های برجسته‌ی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد رهبران طالبان در پاکستان فعالیت داشته‌اند. وقتی مقام‌های افغان در دیدارگاه موری در ماه جولای ۲۰۱۵ با هیات طالبان دیدار کردند، بسیار واضح بود که آن‌ها از داخل این کشور می‌آمدند. سال گذشته، حکومت افغانستان فاش

دو روی یک مدال

افغانستان: حضور در المپیک ریو و جنگ داخلی در خانه



ترجمه: معصومه عرفانی

شبکه‌ی تحلیلگران افغانستان/ توماس روتینگ

لنگان‌لنگان پیش می‌رفت اما پیش از رسیدن به خط پایان تسلیم نشد.

همچنین نخستین دوچرخه‌سواران افغانستان، گل افضل و ضابط خان، در بازی‌های سال ۱۹۹۶ آتلانتا در رقابت‌های پارالمپیک رقابت کردند.

نیپکا، مدال‌آور سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲، اگرچه در بازگشت از این مسابقات توسط جمعیت عظیمی استقبال شد و رئیس‌جمهور شخصا از او تقدیر کرد، اما یکی از غم‌انگیزترین داستان‌های مربوط به بازی‌های سال ۲۰۱۶ ریو را رقم زد. در نتیجه‌ی دو سال اختلافات داخلی در کمیته‌ی ملی المپیک افغانستان، حکومت بودجه‌ی المپیک را قطع کرد. این کار باعث شد تا اکثر مربیان دستمزد خود را دریافت نکنند و ورزشکاران نیز از مراقبت‌های پزشکی مناسبی برخوردار نبودند. قهرمان افغانستان، روح‌الله نیپکا، زمانی که در ماه اپریل ۲۰۱۶ در رقابت‌های مقدماتی در فیلیپین شرکت کرد، به دلیل جراحت و نبود آمادگی‌ها و امکانات مناسب، در این مسابقات شکست خورد و نتوانست سهمیه‌ی المپیک را به‌دست بیاورد. به گزارش شبکه‌ی «ARD» آلمان، او کمیته‌ی ملی المپیک را مقصر می‌داند. نیپکای ۲۹ ساله که اکنون در بهترین سن مبارزاتی قرار دارد، انتظار داشت از طریق دعوت‌نامه‌ی ویژه‌ی کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، حداقل بتواند برای سومین بار در این مسابقات را در سابق خود داشته باشد. اما این دعوت‌نامه به او نرسید.

درگیری‌های جناحی در المپیک افغانستان

ریاست کمیته‌ی ملی المپیک افغانستان و انجمن‌های عضو آن، پست‌های پرمنفعتی هستند، چراکه می‌توانند کمک‌های مالی زیادی از حامیان جذب کنند و ویزاها و سفرهای خارج از کشور با خود همراه دارند. چندین کشور کمک‌کننده و فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی، پول زیادی را برای کمک به ورزش افغانستان، به‌ویژه برای زنان، اختصاص داده‌اند که پس از دهه‌ها جنگ بار دیگر از سر گرفته شده است. از همین رو، نیروهای سیاسی مختلفی برای به‌دست آوردن کنترل این نهادها رقابت می‌کنند.

تا سال ۲۰۰۹، دولت رییس کمیته‌ی ملی المپیک را منصوب می‌کرد. برای چند سال، کشتی‌گیری که یکی از فرماندهان مجاهدین نیز بود این جایگاه را به‌دست داشت. در نخستین و تنها انتخابات برگزار شده تاکنون توسط فدراسیون‌های ورزشی ملی، محمد ظاهر اکبر، یک جنرال سابق، برنده شد. او از مقامش استعفا داد تا بتواند به‌عنوان یک مشاور امنیتی در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ با داکتر عبدالله عبدالله کار کند. در همان سال فهیم هاشمی در ماه اپریل بر جایگاه او نشست. هاشمی یک تاجر و صاحب شبکه‌ی تلویزیونی «یک» است. صدیقه نورستانی، معاون او، نخستین زنی است که تاکنون به این مقام رسیده است. بنا بر گزارش‌ها، او تلاش کرد تا کمیته‌ی ملی المپیک استقلال بیشتری از دولت به‌دست بیاورد.

همان‌گونه که رسانه‌های افغانستان گزارش داده‌اند، تلاش هاشمی برای استقلال، خشم اداره‌ی تربیت بدنی و ورزشی را برانگیخت که مسیر عبور قیف‌مانند پولی است که برای ورزش افغانستان اختصاص داده می‌شود، و بخشی از وزارت اطلاعات و فرهنگ (که بخش جوانان و ورزش را پوشش می‌دهد) نیز به‌حساب می‌آید. این اداره

گروه‌ها در میان جمعیت پناهندگان سراسر جهان تشکیل می‌دهند، هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان در این تیم از افغانستان نیستند - احتمالاً به این دلیل که کمیته‌ی بین‌المللی المپیک تاکید داشت که انتخاب کاندیدها باید براساس نظم مشخص و نزدیک به قواعد بازی‌های المپیک صورت بگیرد و هیچ‌کدام از ورزشکاران کنونی افغانستان واجد شرایط نبودند.

تاریخ پر از جنگ و ویرانی المپیک افغانستان

از زمان تشکیل کمیته‌ی ملی المپیک (NOC) در کابل در سال ۱۹۳۵ که یک سال پس از تاسیس توسط کمیته‌ی بین‌المللی المپیک تایید شد، افغانستان در بیشتر بازی‌های المپیک تابستانی شرکت داشته است، مگر زمانی که جنگ یا سیاست مانع شده باشد. نخستین بار، ورزشکاران افغانستان در بازی‌های ۱۹۳۶ برلین شرکت کردند که توسط حکومت هیتلر برگزار شده بود. کاروان ورزشکاران افغانستان در زمان رژه‌ی مراسم افتتاحیه در استادیوم المپیک برلین با سلام مخصوص نازی‌ها ادای احترام کردند. وزیر جنگ، قاضی محمود خان، که ریاست کمیته‌ی ملی المپیک را نیز برعهده داشت، یک سال پیش از آن به‌عنوان نماینده‌ی رسمی افغانستان در کنفرانس نورنبرگ حزب نازی برای تصویب قوانین شرم‌آور ضدیهودی شرکت داشت که بعدها به‌عنوان مبنای «قانونی» برای فاجعه‌ی هولوکاست استفاده شد.

از آن زمان تاکنون، افغانستان در بیشتر بازی‌های المپیک رقابت کرده است. این کشور در بازی‌های هلسینکی (۱۹۵۲) و مونترال (۱۹۷۶) به دلایلی نامشخص غایب بود و در سال ۱۹۸۴ نیز بخشی از تحریم شوروی برای بازی‌های المپیک لس آنجلس بود - این تحریم پاسخی به تحریم دور قبلی بازی‌ها در مسکو توسط بسیاری از کشورها به دلیل حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان بود. جنگ داخلی در افغانستان باعث شد تا ورزشکاران افغانستان در بازی‌های ۱۹۹۲ بارسلونا شرکت نداشته باشند و به دلیل عدم به رسمیت شناخته شدن کمیته‌ی ملی المپیک حکومت طالبان، از بازی‌های سال ۲۰۰۰ سیدنی نیز باز ماندند. دو ورزشکار افغانستان، یک قهرمان بوکس و یک دهنده‌ی ماراتن، به‌صورت جداگانه خود را به بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا رساندند. هر دو پس از تصرف کابل توسط طالبان از کشور گریخته بودند.

قهرمانان، بازندگان و ناامیدی‌ها

بزرگ‌ترین موفقیت المپیک افغانستان تاکنون، روح‌الله نیپکا در رشته‌ی تکواندو بوده است که دو مدال برنز از بازی‌های ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن به‌دست آورد. این مدال‌ها نیپکا را به نخستین و تنها برنده‌ی مدال المپیک در افغانستان تا امروز تبدیل کردند. پیش از آن، محمد ابراهیمی در رشته‌ی کشتی بهترین شرکت‌کننده‌ی افغانستان بود. نخستین زنی که در کاروان المپیک افغانستان حضور داشتند، روبینا مقیمیار قهرمان دو سرعت و فریبا رضایی جودوکار بودند که در المپیک ۲۰۰۴ آتن به رقابت پرداختند.

عبدالبصیر اوقی، کسی بود که در سال ۱۹۹۶، یکی از بسیار زیاد اما کمتر گزارش شده در رابطه با «شکست» قهرمانانه را رقم زد. این داستان‌ها از نقاط روشن بازی‌های المپیک هستند. اوقی اگرچه در زمان تمرینات برای رقابت در المپیک آتلانتا مجروح شده بود، در این بازی‌ها شرکت کرد و بخش زیادی از مسیر ۴۲،۱۹۵ متر را

کاروان المپیک افغانستان، همراه با گروه‌های دیگری از ۲۰۶ کشور جهان و یک تیم متشکل از پناهجویان شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ (۵ تا ۲۱ اگست)، در مراسم افتتاحیه‌ی این بازی‌ها در استادیوم ورزشی ماکاراکانا به رژه پرداختند. کامیا یوسفی، قهرمان دو سرعت، پرچم افغانستان را حمل می‌کرد، اما در حقیقت، این کوچک‌ترین تیم افغانستان پس از بازگشت به صحنه‌ی ورزشی بین‌المللی پس از سال ۲۰۰۱ بود. توماس روتینگ از شبکه‌ی تحلیلگران افغانستان در متن حاضر به این مساله پرداخته است که چرا تیم افغانستان این بار چنین ضعیف است و دلایل متفاوتی را برای این مساله برمی‌شمارد - اختلافات میان مقامات، فساد، و در رابطه با ورزش زنان، مخالفت با رقابت زنان در محافل محافظه‌کار و کاهش توجه بین‌المللی به این موضوع. او همچنین شرکت ورزشکاران افغانستان و تعدادی از قهرمانان المپیک این کشور در طی چند دهه را به بررسی می‌گیرد.

کاروان افغانستان برای المپیک ریو تنها شامل سه ورزشکار، یک زن و دو مرد می‌شود. کامیا یوسفی و عبدالوهاب ظهیری در مسابقات دو سرعت ۱۰۰ متر رقابت خواهند کرد و محمد توفیق بخشی در رده‌بندی بالای ۹۰ کیلو مسابقات جودو شرکت خواهد داشت. در مراسم افتتاحیه، آن‌ها توسط غلام ربانی ربانی از مقامات کمیته‌ی ملی المپیک همراهی شدند که در زمان به اهتزاز درآوردن پرچم افغانستان در دهکده‌ی المپیک ریو در تاریخ ۱ اگست ۲۰۱۶ نیز حضور داشت. عکس‌های منتشر شده در آن مراسم نشان داد که اکثریت کاروان افغانستان، به جای ورزشکاران از مقامات تشکیل شده است.

هیچ‌کدام از ورزشکاران افغانستان به‌طور مستقیم برای شرکت در المپیک ریو واجد شرایط شناخته نشدند. در بیشتر رشته‌های ورزشی مسابقات مقدماتی برگزار می‌شود و قواعد مشخصی توسط کمیته‌ی بین‌المللی المپیک تعیین شده است که ورزشکاران برای شرکت در بازی‌های المپیک (IOC) باید بتوانند با موفقیت آن‌ها را بگذرانند. همچنین، برای حمایت از اصل شرکت در بازی‌ها برای کشورهایی با گروه‌های ورزشی کوچک مانند افغانستان، تمام کشورها دعوت‌نامه‌های ویژه‌ی کمیته‌ی بین‌المللی المپیک دریافت می‌کنند. یوسفی، ظهیری و بخشی نیز از همین طریق به مسابقات وارد شدند. بخشی، بازیکن و مربی تیم ملی جودو و یوسفی، در زمان مهاجرت خانواده‌های‌شان به ایران به دنیا آمده‌اند که این تاحدی به تجربه‌ی بین‌المللی آن‌ها افزوده است. آن‌ها در چندین مسابقه‌ی مختلف منطقه‌ی به رقابت پرداخته و مدال‌هایی به‌دست آورده‌اند. با این حال، در مسابقات قهرمانی جهان، آسیا و جنوب آسیا هنوز موفق به کسب هیچ مدالی نشده‌اند. ظهیری نیز بیشتر یک تازه‌وارد در این عرصه به نظر می‌رسد.

توفیق بخشی اولین نفر از این گروه سه نفره خواهد بود که به مسابقه می‌رود. در تاریخ ۱۰ اگست، او با رقیب پرتغالی خود حوزه فونسکار دیدار خواهد کرد. به غیر از تیم‌های کشوری، برای نخستین بار یک تیم متشکل از پناهندگان از کشورهای مختلف نیز در این رقابت حضور دارند. کمیته‌ی بین‌المللی گفته است که این گروه با توجه به وضعیت به‌وجودآمده در نتیجه‌ی «بحران پناهندگان در سراسر جهان» و براساس پیشنهادات کمیته‌های ملی المپیک با دعوت ویژه‌ی به این مسابقات آمده‌اند. اگرچه پناهندگان افغانستان یکی از بزرگ‌ترین

جریان پول را متوقف کرد و در نتیجه، هاشمی هزینه‌ی مشارکت تیمی از افغانستان در بازی‌های ۲۰۱۴ آسیا را نیز از جیب خود پرداخت کرد.

پس از ۱۷ ماه و در اواخر سال ۲۰۱۵، هاشمی سرانجام تسلیم شد. اما پس از استعفا، اعتراضی نسبت به انتخاب مجدد جنرال اکبر به راه انداخت. او ادعا کرد که اشتباهاتی آیین‌نامه‌ی رخ داده‌اند. خود او اگرچه هنوز یکی از اعضای هیات مدیره بود، برای شرکت در رای‌گیری دعوت ن شده بود. به رسمیت شناخته شدن انتخاب اکبر توسط کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، بدون تایید اداره‌ی ورزش دولت افغانستان، وضعیت را پیچیده‌تر ساخت. براساس گزارش «ARD» که بیشتر نیز به آن اشاره شد، این اداره اکنون از هاشمی حمایت می‌کند.

اختلافات در کمیته‌ی ملی المپیک افغانستان، بازتاب دیگری از طناب‌کشی و رقابت‌های معمول بر سر مناصب دولتی میان جناح‌های مختلفی است که در جناح‌های متفاوت حکومت وحدت ملی رخ می‌دهد. وزیر اطلاعات و فرهنگ، عبدالباری جهانی، از سوی تیم رییس‌جمهور اشرف غنی معرفی شد. رییس اداره‌ی ورزش، همایون خیری، به گفته‌ی طلوع‌نیوز متعلق به همان تیم بوده و با حزب جنبش به رهبری معاون رییس‌جمهور، عبدالرشید دوستم، مرتبط دانسته می‌شود. دوستم، پس از شکایت از این مساله که در دولت کنار گذاشته شده است، توسط رییس‌جمهور اشرف غنی در اوایل سال ۲۰۱۵ مسئول امور ورزشی افغانستان تعیین شد. براساس گزارش «نیویورک تایمز» اگرچه او با استهزاء واکنش نشان داده و گفته بود «رونالدو (ستاره‌ی فوتبال پرتغال) نیستم»، اما خیری را برای ریاست کاندید کرد. با این وجود، رییس کمیته‌ی ملی المپیک، اکبر، متعلق به جناح مخالف یعنی تیم عبدالله است. به‌عنوان یکی از دیگر نتایج اختلافات داخلی، غلام ربانی ربانی که تا امروز نسبتاً ناشناخته بود کاروان افغانستان به ریو را رهبری می‌کند.

این زنان و مردان ورزشکار مانند نیپکا، یا دختر تکواندوکاری به‌نام سمیه غلامی (آموزش‌دیده در ایران و امیدوار به کسب مدال) هستند که قربانی این جنگ جناحی می‌شوند و شانس خود را برای رقابت در ریو از دست دادند. نیپکا به شبکه‌ی «ARD» گفته است که این اتفاق نتیجه‌ی مستقیم فساد در بخش ورزش (افغانستان) بوده است که افغانستان هیچ تکواندوکاری در رقابت‌های ریو ندارد. هنرهای نظامی یکی از محبوب‌ترین ورزش‌ها در این کشور است. نیپکا در این گفت‌وگو ادامه داد: «من می‌خواهم سیاست از ورزش جدا شود. زمانی که ما نتوانیم سیاست و ورزش را از هم جدا کنیم، ورزش در این کشور ویران می‌شود».

هیچ زنی...

چنین اتفاقی مدتی پیش از بازی‌های المپیک برای ورزش زنان افغانستان رخ داد. همان‌گونه که «نیویورک تایمز» در ماه اپریل ۲۰۱۶ گزارش داده و به نمونه‌هایی از انجمن‌های ملی برای دوچرخه‌سواری، فوتبال، تکواندو و کرکت (که از بازی‌های المپیک نیست) استاد کرده بود، «برنامه‌های ورزشی زنان در افغانستان مدت‌های زیادی است که مورد توجه حامیان غربی قرار دارد، اما سقوط کرد.... امروز تعدادی از (انجمن‌های ورزشی) تنها شامل یک یا دو زن جوان با یک بیزنس کارت و میز می‌شوند». تیم دوچرخه‌سواری زنان که از سوی یک موسسه‌ی خیریه‌ی امریکایی حمایت می‌شود و تا همین اواخر سرتیترهای امیدبخش و مثبتی را در سراسر جهان پوشش داده و حتی برای جایزه‌ی صلح نوبل نامزد شده بود، تحت ریاست مربی مرد افغان خود (که درحال حاضر وظیفه‌اش به تعلیق درآمده) درگیر «فساد غیر قابل کنترل» شده است. حتی اتهاماتی مبنی بر سوءاستفاده‌ی جنسی از سوی یکی از اعضای سابق تیم علیه او مطرح شد. این عضو سابق اکنون در آلمان درخواست پناهندگی داده است. تیم فوتبال زنان از سال ۲۰۱۴ در هیچ رقابتی در سطح بین‌المللی شرکت نداشته است. تیم کرکت زنان توسط هیات (مردانه‌ی) رهبری کرکت افغانستان منحل شد، چراکه اعضای هیات بر این عقیده بودند که زنان نباید در عرصه‌ی ورزشی فعالیت داشته باشند. به گزارش «تایمز»، شمیلا کوهستانی، کاپیتان سابق تیم فوتبال زنان افغانستان گفته است که مقامات افغانستان هرگز در واقعیت از ایده‌ی زنان در ورزش حمایت نکردند و علاقه‌ی آن‌ها فقط تظاهر بوده است چراکه ورزش زنان مانند آن‌ها برای جذب کمک‌های مالی عمل می‌کند: «آن‌ها به من می‌گویند که ما هرگز به دختران مان اجازه‌ی این کار را نمی‌دهیم. آن‌ها با ما مانند فاحشه یا چیزی شبیه به این رفتار می‌کنند چراکه ما می‌دویم و خودمان را به مردان نشان می‌دهیم».

یکی از دو زنی که برای نخستین بار از طرف افغانستان در المپیک شرکت کرده است (روبینا مقیمیار/اجلالی)، سفارت‌های خارجی را در این زمینه مقصر می‌داند و می‌گوید که آن‌ها دیگر توجه چندانی به ورزش زنان در کشور او نشان نمی‌دهند.

در نتیجه‌ی چنین شرایطی، در تیم المپیک ۲۰۱۶ افغانستان تنها یک زن حضور دارد که در ایران آموزش دیده و زندگی می‌کند. به‌طور کلی، اختلافات میان مسئولان ورزشی کشور باعث شده است که هیچ افزایشی در بالاترین سطح رقابت بین‌المللی ورزشکاران، هم زنان و مردان، صورت نگیرد. همچنین آن دورانی که افغانستان تنها به دلیل این‌که تازه به عرصه‌ی ورزش بین‌الملل بازگشته بود توجه ویژه‌ی دریافت می‌کرد، گذشته است. سانس بسیار اندکی وجود دارد که سه ورزشکار فرستاده شده به ریو بتوانند موفقیت دیگری به پیروزی نیپکا در رقابت‌های ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن بیفزایند که فراتر از تمام زمینه‌های قومی و اجتماعی، توانسته بود باعث افتخار بخش زیادی از مردم افغانستان شود.

ذات شیشه‌یی

کلمه عمران راتب

می‌توان گفت که «ذات شیشه‌یی» رورتی، چیزی است شبیه شکنندگی، پاره‌پاره‌گی، تولید و بازتولید تصویرهای متعدد و عدم ثبات و پایداری اما، همواره دارای یک «جوهر ناب» و درک‌شدنی. نزدیک‌ترین واگویی به این برداشت در متن کتاب، دو فرازی است از این قبیل:

«ذات شیشه‌یی ما-یا نفس عقلانی مکتب مدرسی-همان چیزی است که بیکن آن را «ذهن آدمی» می‌نامید و معتقد بود که «به‌جای آن که طبیعتی چون شیشه‌یی بی‌زنگار و صیقل‌یافته داشته باشد که در آن پرتو چیزها مطابق با تابش حقیقی‌شان منعکس شود، چنان شیشه‌یی جادوشده، پر از خرافه‌ها و دغل‌بازی‌ها، خواهد بود اگر که آن را از زنگارها نرهانیم و نپیراییم» (ص ۹۲). و «ذات شیشه‌یی ما نه یک نظریه‌ی فلسفی، بلکه تصویری بود که فرهیختگان در هر صفحه‌یی که می‌خواندند آن را مفروض می‌دیدند. ذات ما به دو دلیل شیشه‌یی، یا آینه‌وار است؛ نخست این که شکل‌های جدیدی به‌خود می‌گیرد بدون این که خود تغییر کند... دوم این که آینه‌ها از جوهری ساخته شده‌اند که از بیشتر چیزها ناب‌تر، لطیف‌تر، ریزبافت‌تر و ظریف‌تر است» (همان).

البته رورتی خود بر وجود دویبارگی در درون ما معترف است و آغاز آن را نیز با دکارت می‌داند، آن‌جا که دکارت بین «جوهر اندیشنده» و «جوهر ممتد» تمایزگذاری می‌کند. در کنار این، «آینه‌ی طبیعت» مفهوم کلیدی دیگری است که شاید اساسی‌ترین مسأله‌ی رورتی در این اثر باشد. به باور من، می‌توان «آینه‌ی طبیعت» را پس‌زمینه‌ی فلسفی کل سخنان رورتی در این اثر عنوان کرد. آینه‌ی طبیعت نیز تعریف روشن و قایم بر خود در متن ندارد، اما یکی گرفتن آن با «چشم درون» در نزد رورتی، مسأله را از ابهام بیرون می‌کند (در ادامه به این موضوع بر می‌گردم).

ریچارد رورتی زبان نامتعارف و منحصر به خودش را دارد. او در این کتاب نیز شگرد کماکان نامفهومی را به کار بسته است. «فلسفه و آینه‌ی طبیعت» به طرح مسأله‌یی می‌پردازد که قاعدتاً، در فلسفه‌ی کلاسیک، تبیین علی و میکانیکی می‌طلبد. رویکرد رورتی به این مسأله اما، رویکردی است کاملاً توجیهی و گشوده؛ رویکردی که بیشتر به کار منطق‌باوری تحلیلی و روشن‌سازی نسبت میان گزاره‌ها می‌آید و هیچ مطلق‌سازی و جزمیتی هم در آن نیست: صورت مسأله‌ی کلاسیک، علی و سنگ‌وار، و طرح آن با زبان تحلیلی-نسبی‌پس‌اساختارگرا. بحث در رابطه میان ذهن و بدن قبل از همه، بحثی است ذهنی-انتزاعی. ریشه‌ی این بحث در غرب پس‌اقرون وسطایی هم بر می‌گردد به کار فیلسوفان ساختارگرایی سده‌های هفدهم و هجدهم. آن‌ها بودند که پس از دکارت، کوشیدند تا با تبیین شبه‌میکانیکی از فرآیندهای ذهنی، آن را بدل به حوزه‌یی مستقل برای اندیشه کنند. اما از آن‌جایی که رورتی ذات فلسفه‌ی زمانه‌اش را «شیشه‌یی» می‌خواند و زبان درخورد آن را نیز توجیهی و مداراگر، در شرح مسأله ناگزیر از خلط میان شیشه و سنگ می‌گردد. جورجو آگامبن در «کودکی و تاریخ» می‌نویسد: «کسی که امروزه قصد بازیابی تجربه‌ی سنتی را داشته باشد، با وضعیت متناقض روبه‌رو خواهد شد. زیرا پیش از هر چیز باید با متوقف ساختن تجربه و تعلیق شناخت بیاغازد. اما این بدان معنا نیست که او، از این راه، آن نوع تجربه‌یی را هم که قابل «از سر گذراندن» است و هم قابل «داشتن»، باز خواهد یافت. واقعیت این است که سوزه‌ی قدیمی تجربه دیگر وجود خارجی ندارد. این سوزه دوباره شد. اکنون، به‌جای آن، دو سوزه وجود دارد که در زمانی مربوط به سرآغاز سده‌ی هفدهم (درست همان دورانی که کپلر و گالیله اکتشافات‌شان را به چاپ می‌سپارند) به ما معرفی می‌شوند...» (کودکی و

ریچارد رورتی از آن شمار فیلسوفان بزرگ و پردغدغه است که از مرگش، کم‌تر از یک دهه می‌گذرد. اما این معاصریت، هرگز به آن معنا نیست که رورتی در اندیشه‌ی نداشته‌ی ما، جایی داشته باشد. ما رورتی را اگر نگوییم هیچ، دست‌کم خیلی ناقص و نادرست می‌شناسیم، ناقص‌تر از هر فیلسوف و اندیشه‌ورز دیگر. من با اسم این آدم به‌عنوان یک شخصیت ددرسرساز و مسأله‌دار، نخستین بار دو سال قبل آشنا شدم، هنگامی که کتاب «اولویت فلسفه بر دموکراسی» مصطفا ملکیان در نقد «اولویت دموکراسی بر فلسفه»ی رورتی را مطالعه می‌کردم. آن زمان از خود رورتی نه‌فقطه آن کتاب را، بلکه حتی یک کلمه هم نخوانده بودم. اما نقد و خرده‌گیری‌های ملکیان بر آراء او مرا اندکی هیجان‌زده کرده بود. یک سال گذشت و من در بهار سال گذشته کتاب‌های «اولویت دموکراسی بر فلسفه» و «پیش‌آمد، بازی، هم‌بستگی» رورتی را به‌دست آوردم. حالا می‌دانستم که ملکیان درست می‌گفته بود، اما رورتی درست‌تر از آن. زیرا هر دو از دو حوزه‌ی فرهنگی-تاریخی به‌خصوص و تجربه‌های زیسته‌ی متفاوتی حرف می‌زدند. رورتی از نیویورک می‌گفت و ملکیان از قم و مشهد و گاهی هم تهران. اما بار تنویک حرف‌های رورتی، سنگینی موضعش بر موضع توجیهی سبک و سیال ملکیان را به طرز آشکاری به نمایش می‌گذاشت. بگذریم...

اندیشه‌ی رورتی همانند پسامدرنیست‌های هم‌گونه‌اش (هرچند خودش پسامدرنیسم را بی‌معنا می‌دانست)، بر حوزه‌های گوناگون و گاه متعارضی اشتمال و تمرکز دارد. مفهوم «ذات شیشه‌یی» را که من از کتاب «فلسفه و آینه‌ی طبیعت» او وام گرفته‌ام، بر این امر اعتراف دارد. این کتاب را من در این آخرها خوانده‌ام. از شکاکیت و رفتارگرایی گرفته تا گونه‌های مختلف ادراک، فلسفه‌ی تحلیلی و هرمنوتیک، موضوعات مورد بحث و بررسی رورتی در این کتاب‌اند. طرفه این که، رورتی این مباحث را بی‌لگام نمی‌گشاید. او مبنای طرح همه‌ی آن‌ها را یک مسأله‌ی فلسفی سنتی و کلاسیک قرار داده است: ذهن-بدن و جوهر. جوهر هرچند که در فلسفه‌ی شرق هنوز استوار و فعال، تاریخ مسأله‌داری درازی دارد، اما در غرب بعد از افلاتون و ارسطو جز در چند مورد، دیگر به تبعیت از ویرانی و تباهی قرون وسطایی، موضوع اندیشه و تفکر قرار نگرفت؛ بحث جدید در باب بدن در میان فیلسوفان پسامدرن تا حد زیادی دارای بعد و افق متفاوتی است. تا این‌که دکارت به باطرح مفاهیم ذهن و جوهر پرداخت و فلسفه‌ی سده‌های هفدهم و هجدهم منبث موضوع غالب خود آن را پذیرفت. رورتی در این اثر، تعلق خاطرش به این موضوع را نشان می‌دهد، هرچند که مترجم فارسی کتاب به ناحق ادعا می‌کند: «(اورورتی) از این پس می‌کوشید تا آراء هایدگر، دیویی و ویتگنشتاین را با هم در آمیزد و به برداشت سنتی از فلسفه و نقش آن بتازد. وی بر خلاف فیلسوفان تحلیلی اندیشه‌های دریدا را جدی می‌گرفت، در کلاس‌های خود به تدریس فوکو می‌پرداخت و به دیارتمان‌هایی که رویکرد تازه‌یی به نظریه‌ی ادبی داشتند، توجه می‌نمود. حاصل این چرخش بزرگ در اندیشه‌او، شکل‌گیری «فلسفه و آینه‌ی طبیعت» بود» (ص ۶).

رورتی برای جهان آشفته و آشوب‌زده‌ی زمانه‌اش، قایل به یک ذات شیشه‌یی است. در این اثر اما، ذات شیشه‌یی گذشته از این‌که عنوان اختصاصی یک بخش از کتاب است، در تمام بخش‌های دیگر نیز جزئی از مفاهیم کلیدی به‌شمار می‌رود. رورتی در هیچ جایی تعریف مشخص و روشنی از خود این مفهوم استعاری به‌دست نمی‌دهد، اما با توجه به مسایلی که این مفهوم به تبیین آن‌ها می‌پردازد، با اندکی حزم و احتیاط

ریچارد رورتی از آن شمار فیلسوفان بزرگ و پردغدغه است که از مرگش، کم‌تر از یک دهه می‌گذرد. اما این معاصریت، هرگز به آن معنا نیست که رورتی در اندیشه‌ی نداشته‌ی ما، جایی داشته باشد. ما رورتی را اگر نگوییم هیچ، دست‌کم خیلی ناقص و نادرست می‌شناسیم، ناقص‌تر از هر فیلسوف و اندیشه‌ورز دیگر. من با اسم این آدم به‌عنوان یک شخصیت ددرسرساز و مسأله‌دار، نخستین بار دو سال قبل آشنا شدم. هنگامی که ملکیان در نقد «اولویت فلسفه بر دموکراسی» مصطفا ملکیان در نقد «اولویت دموکراسی بر فلسفه»ی رورتی را مطالعه می‌کردم. آن زمان از خود رورتی نه‌فقطه آن کتاب را، بلکه حتی یک کلمه هم نخوانده بودم. اما نقد و خرده‌گیری‌های ملکیان بر آراء او مرا اندکی هیجان‌زده کرده بود.

تاریخ، ص ۷۱).

با تمام این‌ها، رورتی فیلسوفی است کماکان ذهن‌گرا و انتزاع‌باور. کارش در «فلسفه و آینه‌ی طبیعت» در واقع، بازنمودی است از یک ادعای معرفتی سنتی و تلاش در راه استمرار مفاهیم متعارف و ساختاری. نقای که او هوش‌مندانه بر این اثر کشیده است اما، نقابی است به‌شدت فریبنده و پس‌ساختاری، زبان جلف و طرح‌های ابهام‌آمیز. این ادعای زمانی موجه‌تر به نظر می‌رسد که ببینیم رورتی مفاهیم غلط‌اندازی چون «آینه‌ی طبیعت» و «چشم درون» را یکی می‌گیرد. (ص ۱۷۷ و...) نگاه این‌همانی میان آینه‌ی طبیعت و چشم درون در نزد رورتی، متضمن این معنا است که طبیعت یا امر واقع داده شده، همانی است که به‌وسیله‌ی تصویر بازتابیده از آن در درون ما، آن را شناخته‌ایم و ادراک ذهنی ما از رهگذر بازسازی آن، به یک معرفت هستی‌شناسانه دست یافته است. به‌عبارت دیگر، ابژه یا جهان واقع فقط آن‌گاه موجود است که ما آن را می‌بینیم و تصویری از آن در ذهن‌مان داریم و به آن می‌اندیشیم. باری، با زبان دکارتی اگر بخواهیم این موضوع را تئوریزه نماییم، شاید بگوییم: «ما می‌اندیشیم، پس جهان وجود دارد». رورتی در این اثر، بس شعیده‌باز است و به‌آسانی حقیقت و ماهیتش را بر خواننده افشا نمی‌کند. او در چهار سمت ادعاها و باورهایش همواره آینه‌هایی را قرار می‌دهد که بر اثر بازخورد‌های بسیار تصویر در آن‌ها، ما آن را وارونه دریافت می‌کنیم. زبان رورتی در همه‌جا یک زبان خنثاموضوعی است که نه ملتمز به متافیزیک‌باوری می‌گردد و نه متعهد به ماده‌باوری. توصیه‌یی که خود الگوی زبانی‌اش را از آن گرفته، برای ما این است: «من اکنون در حال فکر کردنم» را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد: «در من چیزی رخ می‌دهد که می‌تواند علت بروز رفتار خاصی شود.» مزیت این نوع تحلیل آن است که در مورد ماهیت فرآیند مذکور، چیزی به ما نمی‌گوید؛ افزون بر این، عبارت «چیزی رخ می‌دهد» نیز لحن خنثا دارد و در قبال این مسأله که آیا «فکر کردن» فرآیند مادی است یا غیر مادی، موضوع خاصی نمی‌گیرد» (ص ۱۸۱، پانوش). شناسه‌ی کتاب: فلسفه و آینه‌ی طبیعت، ریچارد رورتی، ترجمه‌ی مرتضا نوری، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۰، نشر مرکز، ۶۰۶ صفحه.

چرخ

سخن‌آهنگ

چرخ

قصه‌ی چرخبال است، همان هلیکوپتر سابق. شنیدید که یکی از چرخبال‌های پاکستانی در یکی از ولایات کشور سر به فلک کشیده‌ی ما فرود اضطراری کرده. تحلیل‌های جالب بسیار در این مورد خواندیم. ولی چیزی که در این میان خیلی جالب‌تر بود این بود که دیدیم ملت شهیدپرور ما هنوز هم برای اثبات کردن دخالت پاکستان در افغانستان دنبال سند می‌گردد. از جمله همین طیاره‌ی پاکستانی را گواه گرفته‌اند و هی می‌گویند دیدید که پاکستان واقعا در امور افغانستان دخالت می‌کند؟ یعنی درباره‌ی چرخبال پاکستانی مذکور یک رقم حرف می‌زنند که گویی برای اولین بار سندی به دست‌شان افتاده باشد. خیلی بال‌بال می‌زنیم اما گرد خود می‌چرخیم. چرخبال واقعی ماییم! یکی نیست که به ملت بگوید آخر شما را چه شده؟ واقعا؟ واقعا همین هلیکوپتر پاکستانی برای‌تان سند شده؟ یک حکومت کامل با تمام آدم‌های خود از پاکستان آمد و در افغانستان امارت اسلامی ساخت و دوباره برگشت به پاکستان و فعلا هم در آن کشور زنده و سالم است و در نزد آی‌اس‌آی روزی می‌خورد. آن‌وقت شما آمده‌اید چرخبال سقوط کرده را سند می‌گیرید؟ همین اکنون مقامات بلندپایه‌ی دولت‌تان در یک خانه‌ی پیسه‌دانی خود عکس نواسه‌ی خود را می‌گذارند و در خانه‌ی دیگرش شناخت کارت پاکستانی خود را. آن‌وقت شما هیچانی شده‌اید که هلیکوپتر پاکستانی در لوگر یافته‌اید؟ ملاحمر رهبر طالبان در کراچی به زحمت حق پیوست و شما دو سال بعد اجازه یافتید که در کابل برایش نوحه بخوانید و فاتحه بگیرید. آن‌وقت چرخبال پاکستانی از نو برای‌تان مدرک مداخله شده؟

می‌گویند ملا نصرالدین هوی انداخته بود که در ده بالا به هر کس که لباس سفید داشته باشد شش من طلا می‌دهند. وقتی دید که همه لباس سفید پوشیده‌اند و به طرف ده بالا می‌دوند، خودش هم دچار تردید شد. رفت و لباس سفید پوشید و گفت: «از کجا معلوم که گیم راست نباشد؟»

حالا حکایت ماست. می‌دانیم قصه چیست، اما یک رقم هلیکوپتر هلیکوپتر می‌کنیم که گویی شک کرده‌ایم این اولین باری باشد که می‌شنویم پاکستان در کشور ما مداخله کرده! خوش داریم چرخ بزیم.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۵۰۰۰ افغانی	یک ساله

برای متعلمین و محصلین	
۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com
jawad.najee@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سرمدبیر: جواد ناجی
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریایی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: dailyetilaaetroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

وزیر خارجهی اتریش:

اتفاقی اتحادیهی اروپا و ترکیه در مورد پناهجویان یک سیاست غلط بود

غلط مرتبط با پناهجویان مانند خانه‌یی کاغذی در حال سقوط است.» این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که پیش از ترکیه تهدید کرده بود که این توافق‌نامه محکوم به شکست است اگر اتحادیهی اروپا از ماه اکتوبر معافیت ویزا برای شهروندان ترکیه را اجرا نکند. در مقابل اما اتحادیهی اروپا می‌گوید تا زمانی که ترکیه قانون مبارزه با تروریسم خود را ملایم‌تر نکند، حاضر به اجرای این خواست نیست.

تعلیق گفت‌وگوهای عضویت ترکیه در اتحادیهی اروپا شده است. به نقل از یورونیوز، آقای کورتس گفته است: «سران اتحادیهی اروپا متوجه شده بودند که پذیرش کنترل نشدهی پناهجویان در اروپای مرکزی قابل مدیریت نیست. آن‌ها تلاش کردند که از اتفاقات ناخوشایند جلوگیری کنند و به جای این‌که کنترل مرزهای خارجی اتحادیه را در دست بگیرند، این کار را به ترکیه واگذار کرده‌اند. اکنون این سیاست

اطلاعات روز: سیاستین کورتس، وزیر خارجهی اتریش در سخنانی توافق‌نامه‌ی ماه مارچ میان اتحادیهی اروپا و ترکیه در مورد پناهجویان را مورد انتقاد قرار داده و آن را سیاست غلط توصیف کرد. این توافق‌نامه به منظور کاستن از حرکت پناهجویان به سمت اروپا امضا شد و قرار است ترکیه در ازای آن امتیازات سیاسی و مالی دریافت کند. وزیر خارجهی اتریش همچنان خواستار توقف یا

نشست امنیتی آنکارا به میزبانی نخست‌وزیر ترکیه برگزار شد

جمعه حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه دستور پاکسازی درونی اعضای وابسته با فتح‌الله گولن را در این حزب صادر کرد. در بیانیهی حزب عدالت و توسعه آمده است که هرچه سریع‌تر باید رشته‌های وابسته به «گروه تروریستی گولنیست» و حامیان کودتای نافرجام ۱۵ جولای از این حزب پاکسازی شوند. قرار است این تصفیهی درونی در تمامی مراکز حزب عدالت و توسعه در سراسر کشور ترکیه صورت گیرد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه، فتح‌الله گولن را متهم به دست داشتن در کودتا می‌کند. اما آقای گولن این ادعا را رد می‌کند.

این جلسه شرکت داشتند. هریک از سران همراه با هیأی از معاونان و منشی‌های‌شان در این جلسه شرکت کردند؛ جلسه‌یی که در پایانش هیچ بیانیه یا اطلاعیه‌یی درباره‌ی جزئیات مورد بحث منتشر نشد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه در این کشور دست به تغییرات متعددی در ساختار نظامی و دولتی این کشور زده است. او هفته‌ی گذشته اعلام کرد که ریاست ستاد مشترک و سازمان اطلاعات ترکیه را خود برعهده خواهد گرفت و در این مورد با رهبران احزاب اپوزسیون گفت و گو خواهد کرد. این جلسه درحالی برگزار می‌شود که به روز

اطلاعات روز: نشست امنیتی باحضور سران دولتی و نظامی ترکیه با میزبانی بن‌علی ییلدیریم، نخست‌وزیر این کشور پشت درهای بسته برگزار شد. سایت خبری حریت گزارش داده است که نشست عصر شنبه سه ساعت به طول انجامید و در محل سکونت نخست‌وزیر ترکیه در آنکارا برگزار شد. به نقل از رادیو زمانه، مولود چاوش‌اوغلو، وزیر امور خارجهی ترکیه، بکیر بزداغ وزیر عدلیه، افغان علا وزیر داخله و فکری ایشیک وزیر دفاع این کشور به همراه تعدادی از سران ارتش از جمله فرماندهان ستاد مشترک و ژاندرمری و نیز هاکان فدان رئیس سازمان اطلاعات ترکیه در

شهر منبج در شمال سوریه تقریباً به صورت کامل از کنترل داعش خارج شد

گفته بود که فرانسه نیروهای ویژه‌یی را برای مشاوره دادن به نیروهای دموکراتیک سوریه در مقابله با داعش در شمال این کشور مستقر کرده است. او گفته بود: «عملیات نظامی در منطقه منبج از سوی چند کشور مشخص از جمله فرانسه حمایت می‌شود. این حمایتی معمول است که به صورت مستشاری صورت می‌گیرد.» جاده‌های اطراف منبج شهر رقه را که پایگاه اصلی داعش در سوریه است به مرز ترکیه و سایر نواحی تحت کنترل این گروه در استان حلب متصل می‌کند. این مسیرها نقش مهمی برای داعش در عبور و مرور پیکارجویان و انتقال تسلیحات، تجهیزات و سایر مواد ضروری به داخل و خارج سوریه دارد.

نیروهای دموکراتیک سوریه در ماه جون سال ۲۰۱۶ تمامی راه‌های منتهی به شهر منبج را که در کنترل نیروهای داعش بود، محاصره کردند. آنان با پشتیبانی حملات هوایی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا و همچنین نیروهای ویژه‌ی امریکا پیشروی کرده بودند. در همین حال گروه ناظر حقوق بشر سوریه مستقر در لندن هم گفته است که تنها شمار اندکی از نیروهای داعش در مرکز منبج در حال جنگ هستند؛ شهری که بیش از دو سال در اختیار داعش قرار داشت. این شهر در ولایت حلب و در جنوب مرز ترکیه قرار دارد. این پیشروی درحالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیز یک مقام بلندپایه در وزارت دفاع فرانسه

اطلاعات روز: گزارش‌ها از سوریه می‌رساند که نیروهای مورد حمایت ائتلاف به رهبری امریکا در شمال سوریه شهر «منبج» را تقریباً به طور کامل از دست داعش پس گرفته و به کنترل خود در آورده‌اند. نیروهای دموکراتیک سوریه ائتلافی از نیروهای کرد و عرب هستند که از طرف امریکا حمایت می‌شوند و از ماه‌ها پیش تلاش دارند تا این منطقه‌ی استراتژیک را به تصرف خود درآورند. به نقل از بی‌بی‌سی و به گزارش خبرگزاری رویترز، سخن‌گوی رسمی نیروهای دموکراتیک سوریه گفته است که جنگ همچنان در این منطقه ادامه دارد اما تقریباً ۹۰ درصد شهر از حضور نیروهای داعش پاکسازی شده است.

۵ راننده‌ی تاکسی به جرم فراری دادن غیرنظامیان

از سوی داعش کشته شدند

روستاییان کشته و حدود صد نفرشان بازداشت شده‌اند. بقیه نیز مجبور شدند به خانه‌های‌شان برگردند. از ماه جون سال ۲۰۱۴ که داعش شهر حویجه را تصرف کرد، برای کنترل منطقه با پیشمرگه‌های کرد درگیر بوده است. در ماه‌های گذشته گروه داعش کنترل برخی مناطق تحت کنترل خود در عراق را از دست داده و در واکنش، به حملات انتحاری روی آورده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، روز گذشته (جمعه) هم یک فرمانده ارشد کرد گفته بود داعش به هزاران روستایی عراقی اجازه نداده که از منطقه‌ی تحت کنترل این گروه در شمال عراق جارج شوند. جنرال شیروان بارزانی گفته بود که ساکنان سه روستای تحت کنترل داعش در شمال عراق با فراز از این روستاها می‌خواستند خود را به شهر کرکوک برسانند؛ شهری که تحت کنترل نیروهای کرد است. آقای بارزانی گفته است که دو تن از این

اطلاعات روز: نیروهای امنیتی عراق می‌گویند که داعش ۵ راننده‌ی تاکسی را که متهم بودند غیرنظامیان را از مناطق تحت کنترل این گروه خارج کرده، کشتند. براساس این گزارش، مردم و خانواده‌های این راننده‌ها وادار شده بودند تا کشته شدن آن‌ها را تماشا کنند. این کشتار در غرب شهر قایم در ولایت انبار عراق صورت گرفته است. در همین حال داعش هشدار داده است هرکسی که بخواهد از نواحی تحت کنترل این گروه فرار کند، به سرنوشت مشابهی دچار می‌شود.

تاکید دوباره‌ی امریکا و کره‌ی جنوبی

برای مقابله با تهدیدهای هسته‌یی کره‌ی شمالی

در همین حال گزارش شده است که مقام هسته‌یی کره‌ی جنوبی با کنجی کاناسوگی، هم‌تای جاپانی خودش، نیز گفت‌وگو کرده و پرتاب‌های موشکی کره‌ی شمالی را محکوم کرده‌اند. کره‌ی جنوبی به سازمان ملل توصیه کرده است فشارهای بیشتری بر کره‌ی شمالی وارد کند زیرا تحریم‌هایی که تا امروز برای این کشور در نظر گرفته شده، باعث تغییر رفتار و اقدامات پیونگ یانگ نشده است.

اتمی کره‌ی شمالی و موشک‌های بالستیک این کشور تهدید اساسی برای منطقه است. به نقل از خبرگزاری ایرنا، آنان خاطرنشان کردند که موضوعات امنیتی در روابط کره‌ی جنوبی و امریکا جایگاه ویژه‌یی دارد و دو کشور همچنان تعاملات و همکاری برای مهار کره‌ی شمالی را ادامه خواهند داد. این دو مقام باردیگر پرتاب‌های موشکی این هفته کره‌ی شمالی را خطرناک خوانده و گفته‌اند که فشارها بر کره‌ی شمالی بیشتر خواهد شد.

اطلاعات روز: کیم هونگ کیون، مقام ارشد مذاکرات هسته‌یی کره‌ی جنوبی در یک گفت‌وگوی تلفنی با سونگ کیم، هم‌تای امریکایی‌اش، بار دیگر بر مقابله با برنامه‌ی هسته‌یی و تهدیدهای موشکی کره‌ی شمالی تاکید کرده است. دو طرف در این گفت‌وگو همچنین راه‌حل‌های گسترش تبادلات و مذاکرات درباره‌ی موضوع تسلیحات هسته‌یی کره‌ی شمالی را مورد بحث و بررسی قرار داده و تاکید کرده‌اند که برنامه‌های

facebook

بگو مگو از facebook



Abdula Watandar

«شما برق می‌خواهید یا سویچ برق؟»

از شما چه پنهان، من هر چه تلاش می‌کنم نمی‌توانم این سوال برق و یا سویچ برق را از ذهنم دور کنم. این به خاطر قوم‌گرا بودن من نیست، و یا به دلیل این‌که این سوال، احساسات قومی‌ام را تحریک کرده باشد. برعکس، شخصا به افغانستانی می‌اندیشم که در آن، هر فرد به دلیل انسان و شهروند بودن، محترم باشد و صاحب حقوق. بگذارید کمی توضیح بدهم:

سوال بالا، برآیند طبیعی نگاهی است که نگذاشت افغانستان از قوم عبور کند، و نمی‌گذارد. تا وقتی که دولت و دولت‌مردان افغانستان به تبعیض ریشه‌دار قومی چشم‌درچشم نشوند، و برای تصفیه حساب با آن فکری نکنند، و راه‌حلی ریشه‌داری نیابند، بعید است که تجربه‌یی جز پریدن از یک بحران به بحران دیگر، و از یک رویارویی به رویارویی دیگر را تجربه کنیم، چون نه تبعیض برای آدم‌های امروز قابل پذیرش است، و نه غلبه‌ی کامل قومی در افغانستان امروز عملی است، تا بتوان تبعیض و ستم را با زور بر آن‌هایی که می‌خواهیم تحمیل کرد. همین داستان لین برق را در نظر بگیرید:

یک وقتی مقاله‌یی به زبان انگلیسی در مورد معدن حاجیگک بامیان خوانده بودم. در این مقاله ادعا شده بود که استخراج این معدن نه تنها اقتصاد افغانستان را می‌تواند زیرورو کند، که تاثیر جدی بر کل اقتصاد جنوب آسیا هم خواهد داشت. پس می‌توان گفت که برای انکشاف پایدار و توسعه‌ی فراگیر، امکان فرار از بهره‌برداری از یکی از بزرگ‌ترین معادن آسیا نیست. افغانستان، دیر یا زود برای فراهم کردن زمینه‌ی بهره‌برداری از آن گام‌هایی را برخواهد داشت. حالا، این واقعیت را در مقابل تغییر لین برق و نگاهی که پشت سر آن است بگذارید.

آیا واقعا تعدادی در درون دولت افغانستان فکر می‌کنند که روزی خواهد آمد، و یا مناسبات قدرت را می‌شود به گونه‌یی برقرار کرد که مثلا، معدن حاجیگک را بتوان استخراج کرد، و اقتصاد افغانستان را زیرورو کرد، اما مناطق و آدم‌های دوروبرش را حتا از خدماتی چون برق، محروم نگه داشت؟ اگر چنین کاری ناممکن است، پس چرا با چسبیدن به مناسباتی که نگه‌داشتن‌شان برای مدت‌های طولانی‌تر ممکن نیست، انرژی و منابع ملی را بر باد می‌دهند، و با انباشتن بیشتر عقده و خصومت، تلاش می‌کنند افغانستان را از رفتن به راهی که باید برود باز می‌دارند؟

اشرف غنی، اگر می‌خواهد در افغانستان مهندسی کند، شایسته نیست که انرژی، دانش و فرصتش را برای بازسازی و یا تحکیم پایه‌های افغانستان دیروز و مناسبات کهنه‌اش، صرف کند. اما اگر ایشان، برای مهندسی کردن افغانستان مدرن و خالی از تبعیض و ستم، تلاش کنند، شکی نیست که آدم‌های زیادی با او همراهی خواهند کرد و در کنارش خواهند ایستاد، و این فرصت تخریب را از کسانی همچون حامد کرزی، خواهد گرفت. اما اگر ایشان نتواند خود را از دام مناسبات و ذهنیت گذشته نجات دهد، تئوری‌پردازی‌های انجویی، سابقه‌ی کار در نهادهای بین‌المللی و یا تندخویی و لجاجت بدوی، خیلی به دردش نخواهد خورد. انتخاب با ایشان است و قضاوت با زمان!

Hamza Vaezi

مدیریت عبور از پریشان‌رفتاری و پراکنده‌گویی «بحران خودساخته»

فاجعه‌ی دوم اسد نقطه‌ی عطفی در تاریخ جنبش‌های اجتماعی افغانستان بود. این فاجعه نشان داد که در کشوری مثل افغانستان حرکت‌های اجتماعی تا چه حد آسیب‌پذیر و در معرض بحران‌ها و خطرهای هدایت شده قرار دارند. جنبش روشنائی، با فاجعه‌ی دوم اسد درس‌های زیادی را برای ما می‌آموزد. تجربه‌یی که از نتایج این رخداد به دست می‌آید نا امیدکننده نیست اما بسیار نگران‌کننده و هشداردهنده می‌باشد. آن‌چه به طور کلی از بازخورد و تأثیر جنبش روشنائی پس از فاجعه‌ی دوم اسد مارا به تأمل، سنجش، دوراندیشی و تجربه‌آموزی فرا می‌خواند در سه نکته‌ی اساسی ذیل قابل مطالعه و مذاقه می‌باشد:

۱ فراگیری حوزه‌ی نفوذ و تکثیر و تداوم ترویج پیام جنبش نیازمند فهم و واکنش مثبت و عقلانی سایر اقوام و به‌ویژه نخبگان آن‌ها می‌باشد؛

۲ درک و درایت و صداقت و اراده‌ی سیاسی حاکمیت سیاسی و نوع مواجهه‌ی نهادهای قدرت با چنین جنبش‌هایی تا چه حد می‌تواند مخرب و یا مقوم این حرکت‌ها باشد.

۳ ظرفیت، صلاحیت، عقلانیت و نوع مدیریت رهبری سازماندهی یک جنبش و برخورد آن‌ها با مخاطبان و منتقدان تا چه اندازه می‌تواند در ثبات‌مندی، فراگیری و عبور از بحران‌ها تعیین‌کننده باشد.

متأسفانه آن‌چه اکنون در مواجهه با جنبش روشنائی شاهد هستیم، هرسه فاکتور یاد شده به تکوین بایسته نرسیده است. از میان این سه فاکتور، آشفتگی درونی به‌وجود آمده در برخورد با جنبش و نگاه تخطئه‌گرانه‌ی گروهی از نیروها و در مقابل، برخورد احساسی و ناشکیبای مجموعه‌یی از هواداران و سازمان‌دهندگان جنبش با چنین جریاناتی، بحران رفتاری و گفتاری‌یی را پدید آورده که فعلا مدیریت درست آن از اختیارهمه‌ی طرف‌ها خارج گردیده است.

این رخداد از آن‌جا که استانه‌ی شکیبایی و توان ارزیابی مصلحت‌گرانه و آینده‌نگرانه‌ی همگی دچار چالش و لرزش و پرسش ساخته، مارا به یک «بحران خودساخته» مواجه نموده است. مراد از بحران خودساخته، ناتوانی و نادانستگی تمام طرف‌های درگیر در درک موقعیت و مصلحت و تأکید و اصرار بر تداوم مقابله‌های فیسبویی و شعارهای خیابانی می‌باشد. ناشکیبایی و برآشفتگی در برابر سخن و قلم همدیگر و اصرار بر نشر و پخش تهمت و شایعه و تأکید بر «گفتمان حق به‌جانبی»، همه‌ی مارا در گسترش و پردازش بحران درونی‌یی مواجه ساخته که خود ممد و مولد تبعات و تاریکی‌های آن قرار گرفته‌ایم.

در این میان مسأله‌ی اصلی‌مان را که ادامه‌ی مطالبات جنبش می‌باشد، به تعلیق گذاشته‌ایم. تنها نهادی که از این بحران فعلا سود می‌برد نهاد قدرت و دستگاه حاکمیت است که با شادمانی نظاره‌گر دعوای داخلی‌مان می‌باشد. این آسودگی خاطر حاکمان باعث شده که نه تنها در قبال مطالبات جنبش و شهدای دوم اسد احساس مصونیت کنند بلکه حتا از احساس مسولیت و کمک در قبال خانواده و بازماندگان شهدا و پیگیری تداوی و ارسال مجروحان به خارج هم فارغ شده‌اند.

سیسوکو:

پیوستن به رئال یک رویاست

موسی سیسوکو، هافبک نیوکاسل مدعی شد که پیوستن به رئال، تحقق رویایش خواهد بود. پس از عملکرد درخشان در یورو ۲۰۱۶، سیسوکو مورد توجه اسپیدپوشان قرار گرفته است. نیوکاسل فصل گذشته به دسته پایین‌تر سقوط کرد و سیسوکو فصل آینده باید در چمپیونشیپ توپ بزند و حال چراغ سبزی به رئال نشان داد. او گفت: پیشنهاد آن‌ها وسوسه کننده است، چه کسی در دنیا وجود دارد که با پیشنهاد یکی از بهترین‌های جهان وسوسه نشود. خیلی ساده است؛ وقتی شما جوان هستید و فوتبال را شروع می‌کنید، آرزوی تان این است که حرفه‌ی شوید و برای رئال مادرید یا منچستر یونایتد بازی کنید. من تلاش خودم را کرده‌ام و اگر باشگاهی مثل رئال برای جذبم پا پیش بگذارد اتفاق بزرگی برای من است. رد کردن باشگاهی مثل رئال کار دشواری است، هر چند که من هنوز جوان هستم و باید بهترین تصمیم ممکن را بگیرم. این که زیدان سرمربی شما باشد فوق‌العاده است ولی امروز این مساله من نیست. همه زیدان را می‌شناسند، کارنامه‌اش را می‌دانند. می‌دانند چه فوتبالیستی بوده و چه مربی بزرگی است. او در دنیای فوتبال شخصیت مهمی است. حالا باید صبر کنم و ببینم آیا او واقعاً من را می‌خواهد تا بتوانم تصمیم بگیرم. می‌دانم باشگاه‌های زیادی خواهان جذب من هستند. بنابراین گزینه‌ها را بررسی خواهیم کرد و بهترین را انتخاب می‌کنم. باید ببینم چه پیش خواهد آمد.

کاپلو: فروش میلان

سرنوشت این باشگاه بود

فابیو کاپلو، سرمربی سابق میلان معتقد است که فروش سهام این باشگاه به سرمایه‌داران چینی، سرنوشت روسونری بوده است.

پس از کش و قوس‌های فراوان، در نهایت سیلویو برلوسکونی روز جمعه‌ی که گذشت، سهام خود را به سرمایه‌داران چینی فروخت و از مدیریت باشگاه کنار کشید. گفته می‌شود که چینی‌ها قصد دارند هزینه زیادی در میلان انجام دهند و این تیم را به اوج برگردانند. حال کاپلو این موضوع را تقدیر میلان دانست. او گفت: این یک تغییر تاریخی است. برلوسکونی بزرگ‌ترین رئیس تاریخ باشگاه میلان است. حتی سرسخت‌ترین دشمنش هم نمی‌تواند آمارش را زیر سوال ببرد زیرا هیچ‌کس به اندازه او جام نبرده است. در حقیقت، به نظرم او یکی از بزرگ‌ترین روسای فوتبال در تاریخ است. به خاطر دارم وقتی رئیس جمهور باشگاه شد، گفت که می‌خواهیم قوی‌ترین باشگاه جهان را بسازیم و نمایش‌هایی فراموش ناشدنی داشته باشیم. خیلی‌ها خندیدند و با او شوخی کردند ولی او راست می‌گفت. امروز هواداران روسونری باید از او تشکر کنند. فروش میلان تقدیر باشگاه بود. امروزه یک تاجر شاید بتواند یک اقتصاد قدرتمند را بگرداند ولی هماهنگ کردن باشگاه جهانی کار بسیار دشواری است. واقعیت امروز سرمایه‌های عرب، چینی و روس است. به لیگ برتر نگاه کنید که بیشتر باشگاه‌های بزرگ آن مالکان خارجی دارند.

ونگر: پیش‌بینی قهرمان

فصل بعد ناممکن است

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال معتقد است که تکلیف قهرمان لیگ برتر بیش از پیش نامشخص است. فصل ۱۷-۲۰۱۶ در حالی آغاز می‌شود که فصل گذشته لسترسیتی در کمال شگفتی موفق به کسب عنوان قهرمانی لیگ شد. تیم ونگر در رده‌ی دوم قرار گرفت تا حسرت قهرمانی ۱۲ ساله شود. حال او مدعی شد که تیم‌ها به خوبی خود را تقویت کرده‌اند و تکلیف قهرمان کاملاً نامشخص است.

او گفت: باشگاه‌های زیادی با جاه‌طلبی حضور دارند. در حال حاضر مربیان و باشگاه‌های بزرگی در لیگ هستند. این باعث می‌شود که انگیزه و امید همه بیشتر شود ولی تنها یک تیم قهرمان می‌شود. باید مطمئن شویم که آن تیم ما هستیم. هیچ رقابتی از پیش مشخص نیست، مخصوصاً با توجه به قهرمانی فصل گذشته لستر. هیچ‌کس انتظار ندارد که یک باشگاه کوچک با امید به قهرمانی بجنگد. تیم‌های بزرگ امتیاز خواهند داد بنابراین این لیگ از تمامی لیگ‌ها نامشخص‌تر است.



رئیس جمهور ارجنتاین:

مسی رهبر ارجنتاین در جام جهانی روسیه خواهد بود

مائوریسیو ماکری، رئیس جمهور ارجنتاین، از این که مسی به تیم ملی بازگشته و در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه لیدر ارجنتاین خواهد بود ابراز اطمینان کرد. لئو مسی پس از شکست ارجنتاین در فینال کوبا آمریکا سنتراریو مقابل شیلی، در حالی که بسیار ناراحت بود، در مصاحبه‌ی از خداحافظیش با فوتبال ملی سخن گفت. کمپین‌های مختلفی برای متقاعد کردن مسی به بازگشت تشکیل شده اما هنوز مشخص نیست که مسی از تصمیم خود صرف‌نظر خواهد کرد یا خیر. رئیس جمهور ارجنتاین که در ریودوژانیرو با شبکه

ESPN صحبت می‌کرد، در مورد بازگشت مسی گفت: نمی‌دانم او برای بازی ۱ سپتامبر مقابل اروگوئه (مقدماتی جام جهانی) به تیم ملی بازمی‌گردد یا خیر ولی اطمینان دارم که مسی رهبر ارجنتاین در جام جهانی روسیه خواهد بود. او بهترین بازیکن تاریخ ارجنتاین است و باید کاری کنیم که در تیم ملی احساس راحتی کند. پس از بازی فینال با مسی صحبت کردم و از تلاشش در طول تورنمنت قدردانی کردم. او همه سعیش را کرد ولی چانس با ما یار نبود. در سه تورنمنت متوالی تا قبل از فینال حتی یک باخت نداشته‌ایم ولی همیشه در فینال مغلوب شده‌ایم و این دیوانه کننده است.

مارسلو: بعد از پنالتی رونالدو دیوانه شده بودم

تا خودم را به خانواده‌ام که پشت نیمکت ما نشسته بودند برسانم. در آن لحظات هیچ‌کس نمی‌توانست مانع دوییدن من شود. واقعاً نمی‌توان آن لحظات را توصیف کرد. سوپرکاپ اروپا برابر سویا: پیروزی در این بازی، بهترین پاداش برای قهرمانی در لیگ قهرمانان است. همه رئالی‌ها منتظر این بازی هستند؛ اولین دیدار مهم فصل و فتح این جام می‌تواند شروع بسیار خوبی برای فصل جدید باشد. همه تلاش‌مان را برای تقدیم یک جام دیگر به هواداران خواهیم کرد.

مارسلو، بال چپ برزیلی رئال مادرید از حس خود پس از آخرین پنالتی رئال در فینال لیگ قهرمانان صحبت کرد. رئال مادرید دو ماه پیش در فینال لیگ قهرمانان توانست در ضیافت پنالتی‌ها بر اتلتیکو غلبه کرده و برای یازدهمین بار قهرمان اروپا شود. آخرین پنالتی آن بازی را کریستیانو رونالدو به گول تبدیل کرد.

مارسلو در مورد حس خود پس از پنالتی رونالدو به یوفا گفت: دیوانه شده بودم. وقتی رونالدو پنالتی را به گول تبدیل کرد، مثل دیوانه‌ها می‌دویدم

رئال پول لازم برای خرید پوگبا را نداشت

رامون کالدرون، رئیس سابق رئال در مورد علت منصرف شدن کهکشانی‌ها از خرید پل پوگبا صحبت کرد. در ابتدای تابستان به نظر می‌رسید که رئال مادرید به جذب پل پوگبا نزدیک باشد اما به تدریج مشخص شد که منچستر یونایتد تنها خریدار واقعی ستاره فرانسوی یوونتوس است و آماده است تا با پرداخت ۱۲۰ میلیون یورو، رکورد نقل و انتقالات تاریخ فوتبال را بشکند.

کالدرون در همین رابطه به AS گفت: به نظر می‌رسد که پوگبا در نهایت به منچستر یونایتد خواهد پیوست. چرا رئال از خرید او منصرف شد؟ با شناختی که از توانایی‌های پرز در خرید بازیکن دارم و با توجه به این که زیدان روی پوگبا به عنوان بازیکنی که

می‌توانست باعث پیشرفت رئال شود حساب باز کرده بود، می‌توان نتیجه گرفت که یا خود بازیکن تمایلی به آمدن نداشت یا این که رئال بودجه لازم برای خرید پوگبا را در اختیار نداشت. نظر من روی دومی است.

یک زمانی می‌رسد که بازیکنانی که متقاضیان زیادی دارند، باید انتخاب کنند که به کدام باشگاه بروند. خود من در زمان ریاستم بر رئال تجربه این‌چنینی داشتم. رونالدو می‌خواست به رئال بیاید و روبینیو می‌خواست از رئال برود.

پوگبا بازیکن فوق‌العاده‌ی است که هم در خط میانی و هم در خط حمله موثر و مفید بازی می‌کند. در آینده نزدیک ثابت خواهد شد که رقم بالای پرداختی برای خرید او، منصفانه بوده است یا خیر.

نیمار:

در ۱۳ سالگی آماده حضور در رئال نبودم

نیمار، ستاره بارسلونا مدعی شد که در ۱۳ سالگی، وقتی رئال خواهان جذب او بوده، آماده حضور در این تیم نبوده است. مهاجم برزیلی که در حال حاضر عضو باشگاه بارسلونا است، سال ۲۰۰۵ یک بازی تمرینی برای رئال انجام داد و مورد توجه مسئولین باشگاه قرار گرفت ولی او به رئال نپیوست و ۸ سال بعد راهی بارسلونا شد. حال او مدعی شده است که دلیل رد پیشنهاد رئال در آن موقع، عدم آمادگی او برای این انتقال بوده است.

او گفت: من ۱۳ ساله بودم و اولین بار بود که به اروپا می‌آمدم. در آن زمان، احساس راحت بودن نداشتم، دوست نداشتم در نوجوانی دور از برزیل باشم. احساس نکردم که عجله‌ی وجود دارد و اضطراری در این انتقال است. اولویت من این بود که خوشحال باشم، فوتبالیستی حرفه‌ی شوم و سپس به اروپا بیایم.

در طول ۳ فصل، بارسا با نیمار یک قهرمانی چمپیونزلیگ و دو قهرمانی لالیگا به دست آورده است.

بائوسا: مارتینو درست از مسی استفاده نمی‌کرد

ادگاردو بائوسا، سرمربی جدید تیم ملی ارجنتاین، معتقد است که تاکتیک‌های جراردو مارتینو سرمربی قبلی آلبی سلسته، دلیل نمایش‌های نه چندان خوب لیونل مسی، در رقابت‌های کوبا آمریکا بود.

ارجنتاین ماه گذشته برای دومین سال پیاپی در فینال کوبا آمریکا مغلوب شیلی شد و همین ناکامی باعث شد تا لیونل مسی بعد از این رقابت‌ها از بازی‌های ملی کناره‌گیری کنند. بائوسا معتقد است که سیستم بازی ارجنتاین در زمان مارتینو، حمایت لازم را از مسی فراهم نمی‌کرد.

او به خبرنگاران گفت: اگر مسی را تنها بگذارید همان اتفاقی رخ می‌دهد که در دیدار با شیلی دیدیم جایی که او ۴ بازیکن حریف را در مقابلش می‌دید.

در آن دیدار او خیلی به زحمت افتاد و در بازی‌سازی به مشکل خورد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که او می‌تواند به تنهایی بازی کند. البته ما می‌دانیم که می‌تواند شرایط بازی را عوض کند.

مسی در کوبا آه ریکا در سه پست مختلف بازی کرد؛ مهاجم نوک، کمی عقب‌تر از آن و مانند آن‌چه گواردیولا از او استفاده می‌کرد، در سمت راست.

هدف ما این است که از او در پستی استفاده کنیم که بتواند شرایط بازی را تغییر دهد و برای این کار باید در کار تیمی مشارکت داشته باشد. ما نمی‌توانیم تنها به مسی تکیه داشته باشیم.

رانیری: دیدار مقابل

منچستر، دوستانه نیست

کلودیو رانیری، سرمربی ایتالیایی لسترسیتی تاکید کرد که دیدار تیمش در برابر منچستر یونایتد هرگز یک دیدار دوستانه نیست.

دو تیم لسترسیتی و منچستر یونایتد امروز یکشنبه در دیدار جام خیریه به مصاف یکدیگر خواهند رفت و سرمربی ایتالیایی روبه‌ها تاکید کرد که تیمش برای پیروزی پای به این دیدار خواهد گذاشت.

رانیری گفت: ما تمام تلاش‌مان را برای پیروزی انجام خواهیم داد و اطمینان دارم که این موضوع در مورد منچستر یونایتد هم صادق است. ما هر دو برای پیروزی به میدان می‌رویم. فکر می‌کنم در مقابل تیمی سازمان یافته بازی خواهیم کرد. زلاتان یک بازیکن بزرگ و قهرمان به تمام معناست.

بازیکنان من هم ریکاوری خوبی انجام داده‌اند و جیمی واردی هم برای این مسابقه آماده شده است. فکر می‌کنم این اولین دیدار بزرگ سال است. سال گذشته را فراموش کرده و به فکر سال جدید هستیم. می‌دانم راه سختی در پیش رو داریم.

برای همه تیم‌ها احترام زیادی قائل هستیم اما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم تا بهترین کیفیت خود را به نمایش بگذاریم.

زیدان و متقاعد کردن کوواچیچ

و ناچو به ماندن

ناچو و متئو کوواچیچ یک فصل دیگر ردر نال باقی خواهند ماند در حالیکه هر دو بازیکن مشتریانی جدی برای خود داشتند.

ناچو، مدافع رئال مادرید با ۷۶ بازی رسمی برای تیم اول این باشگاه، سخت مورد توجه AS رم قرار داشت و حتی پیش از سفر رئال به ایالات متحده، اخبار فراوانی مبنی بر جدایی او به گوش می‌رسید اما او به اردوی پیش فصل رئال رفت و آن‌جا بود که متقاعد شد یک فصل دیگر نیز در رئال بماند. کوواچیچ، ستاره کروات رئال که فصل گذشته از اینتر به این تیم پیوست نیز شرایطی مشابه ناچو داشت و تیم‌هایی چون میلان و یوونتوس را علاقه‌مند به خود می‌دید ولی زیدان همان‌طور که

ناچو را راضی به ماندن کرده بود، کوواچیچ را نیز متقاعد کرد که یک فصل دیگر نیز در رئال بماند. مارکا دیروز گزارش داد که زیدان در صحبت با این دو بازیکن قول حضور ثابت‌شان در ترکیب ۱۱ نفره رئال را نداده اما وعده داده است که در فصل آتی، بیش از همیشه به میدان خواهند رفت. کوواچیچ در سه بازی دوستانه پیش فصل رئال برابر پاری سن ژرمن، چلسی و بایرن، ۱۵۵ دقیقه در ترکیب رئال حضور داشت و عملکرد او مورد تمجید زیدان قرار گرفت.



د انټرنټ نوېو بکسو ته بڼه راغلاست

ام ټي ان اوس تاسو ته ستاسو له اړتيا سره سمې بکسي وړاندې کوي. تاسو کولای شئ چې له ۳ ورځنيو، ۳ اوونيزو، ۵ مياشتينيو او يا له ۲۰ شپنيو بکسو څخه يوه بکسه کې گډون وکړئ او کرېډټ مو وسپموي. د معلوماتو لپاره لاندې جدول ته مراجعه وکړئ.

د بکسي ډول	حجم	د بکسي لکتونه	د اختيار موده	د فعالولو طريقه
ورځني	۴۰ ام بي	۱۵ الفابي	هسايه ورځ	۳۴۴ و ۱۱۶ شمېرې ته واستون
	۱۰۰ ام بي	۳۰ الفابي	هسايه ورځ	۳۴۴ و ۱۱۲ شمېرې ته واستون
	۲۰۰ ام بي	۵۰ الفابي	هسايه ورځ	۳۴۴ و ۱۱۳ شمېرې ته واستون
اوونيزه	۲۵۰ ام بي	۷۵ الفابي	۷ ورځي	۳۴۴ و ۲۱ شمېرې ته واستون
	۵۰۰ ام بي	۱۵۰ الفابي	۷ ورځي	۳۴۴ و ۲۲ شمېرې ته واستون
	۱ جي بي	۲۵۰ الفابي	۷ ورځي	۳۴۴ و ۲۳ شمېرې ته واستون
مياشتيني	۲.۵ جي بي	۲۹۹ الفابي	۳۰ ورځي	۳۴۴ و ۳۰ شمېرې ته واستون
	۴ جي بي	۴۹۹ الفابي	۳۰ ورځي	۳۴۴ و ۳۱ شمېرې ته واستون
	۸ جي بي	۷۹۹ الفابي	۳۰ ورځي	۳۴۴ و ۳۲ شمېرې ته واستون
شپنۍ بکسي	۱۵ جي بي	۱۳۹۹ الفابي	۳۰ ورځي	۳۴۴ و ۳۴ شمېرې ته واستون
	۳۵ ام بي	۲۵ الفابي	۱ ورځ	۳۴۴ و ۳۱ شمېرې ته واستون
	۲.۵ جي بي	۱۷۵ الفابي	۳۰ ورځي	۳۴۴ و ۳۲ شمېرې ته واستون



په هرځای کې له تاسو سره

د لاړيو مودو لپاره له ۷۹۹ شمېرې سره اړیکه وکړئ. د بکسونو فعالولو لپاره دې: www.mtn.com.af MTN Afghanistan @MTNAF

د آريانا افغان هوائی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333

www.flyariana.com
info@flyariana.com

همگام با شما در سفر حج بیت الله شريف
د آريانا افغان هوائی شرکت افتخار مينمايد که
پروسه انتقال حجاج محترم را امسال نيز بدوش
داشته و پرواز های حجاج گرامی از کابل و ولايات
عنقريب آغاز ميابد

تخریب قبر و متفرق شدن بقایای استخوانی اکثر اجساد شده است. مؤسسه‌ی خدماتی علوم عدلی افغانستان از دولت افغانستان می‌خواهد در حفاظت از قبرهای دسته‌جمعی در کشور هرچه زودتر اقدامات جدی را روی دست گیرد. این نهاد همچنان از اداره‌ی شهرداری‌ها در تمام ولايات و شهرهای کشور می‌خواهد که باید به عموم شرکت‌های ساختمانی و شهروندان افغانستان تذکر دهند که به محض مواجهه با بقایای اسکلتی انسان، بلافاصله کارشان را متوقف ساخته و به نزدیک‌ترین حوزه‌ی امنیتی پولیس اطلاع بدهند. همچنان این نهاد از علمای دین خواسته است که مطابق حکم فقره‌ی ۱ ماده ۱ قانون مدنی افغانستان نباید به صدور جواز نیش قبر اقدام نمایند.

عوامل تخریب قبرهای دسته‌جمعی باید شناسایی و مورد پیگرد قانونی قرار گیرند



این نهاد که در مرکز بامیان قبلاً یک کورس علمی-تخصصی را در رابطه به «بررسی مسلکی یک قبر دسته‌جمعی، تشخیص هویت اجساد مجهول‌الهویه‌ی اسکلتی و تحلیل علل و عوامل مرگ آن» برای استادان اکادمی پولیس، افسران وزارت داخله، داکتران طب عدلی و سارنوالان از کابل و اساتید، پولیس، داکتران شفاخانه و ریاست صحت عامه‌ی ولایت بامیان برگزار کرده است، می‌گوید که نیش غیرمسلکی قبرهای دسته‌جمعی تشخیص هویت اجساد مجهول‌الهویه‌ی اسکلتی را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

ابراز نگرانی می‌کند. این نهاد می‌گوید قبرهای دسته‌جمعی زیادی در کشور وجود دارد اما عدم آگاهی در رابطه به نحوه‌ی برخورد با چنین قبرها، همواره موجب شده است که این قبرها در جای‌جای از کشور تخریب شده و نسبت به بقایای اسکلتی انسان بی‌حرمتی صورت گیرد. یکی از قبرهای دسته‌جمعی که توسط این نهاد شناسایی و ثبت شده، قبر دسته‌جمعی «دشت عیسی‌خان» در مرکز ولایت بامیان است که در پی صدور جواز شرعی از مراجع دینی به‌گونه‌ی غیرمسلکی حفر شده که سبب

اطلاعات روز: یک نهاد خدماتی در بخش علوم عدلی با انتقاد از نیش قبر دسته‌جمعی در مرکز ولایت بامیان می‌گوید این قبر دسته‌جمعی در پی صدور جواز شرعی از مراجع دینی به‌گونه‌ی غیرمسلکی حفر و بقایای استخوانی اکثر اجساد متفرق شده است. این نهاد از دولت می‌خواهد عاملین تخریب قبرهای دسته‌جمعی را شناسایی و مورد پیگرد قانونی قرار دهد. مؤسسه‌ی خدماتی علوم عدلی افغانستان به روز شنبه با صدور اعلامیه‌ی چنین برخوردی را غیرمسئولانه دانسته و از تداوم آن در کشور

هیأت حزب اسلامی برای از سرگیری گفت‌وگوهای صلح با دولت به کابل می‌آید

اطلاعات روز: غیرت بهیر، مسئول امور سیاسی حزب اسلامی به‌رهبری کلبدین حکمتیار می‌گوید قرار است یک هیأت حزب اسلامی تا یکی-دو روز دیگر برای از سرگیری گفت‌وگوهای صلح با حکومت افغانستان به کابل بیاید. غیرت بهیر گفته است این هیأت چهار نفره به‌رهبری کریم امین، گفت‌وگوهای ناتمام با حکومت افغانستان را از سر خواهد گرفت. او به طلوع نیوز گفته است: «این گفت‌وگوها از جایی از سر گرفته خواهد شد که متوقف شده بود». چهارمین هیأت حزب اسلامی در حالی برای گفت‌وگو وارد کابل خواهد شد که در دیدارهای قبلی این هیأت تفاهم‌نامه‌ی نیز میان حزب اسلامی و دولت افغانستان امضا شد اما گفته می‌شود که به‌خاطر پیش‌شرط‌های تازه‌ی این هیأت گفت‌وگوها بی‌نتیجه ماند. در همین حال عطاءالرحمان سلیم، معاون شورای عالی صلح می‌گوید که توافق میان شورای عالی صلح و هیأت حزب اسلامی نهایی است و دیده شود که هیأتی که به کابل می‌آید، چه مسایل دیگری را مطرح می‌کند. او گفته است که پس از آن موقف شورای عالی صلح اعلام خواهد شد. این شورا با هیأت حزب اسلامی پس از دو ماه گفت‌وگو توافق‌نامه‌ی نهایی ساختند اما پس از رفتن هیأت حزب اسلامی به پاکستان، امضای توافق‌نامه‌ی صلح با حکومت افغانستان از سوی حزب اسلامی رد شد. مشخص شدن جدول زمان‌بندی برای خروج نیروهای خارجی از کشور، حضور نمایندگان حزب اسلامی در کمیسیون‌های انتخاباتی و سهم این حزب در بخش‌های گوناگون دولت از پیش‌شرط‌های تازه‌ی این حزب بود که باعث شد امضای توافق‌نامه صلح میان این حزب و دولت به تأخیر بیفتد.